کلام علیخان حیدری

کلامی علیخان حیدری

لو دمی طاقم نمه ا عزیزانی وطن — دا بما جو تم دکل غم اندم غربتی و محن

حب توری نم آئین نم امانی منه — یار و فکر آب و فا کت شنی دور فر وطن

گلبن دگلزارکم تو تو به جی قمری و انزار — ئیشانی خنده لبت تو به جی زاغ و زغن

شارو باژارت دلی بو باک ویرانی و خراب — هکوا آنارت ا بو باغ ل وفا ازار بکن

کوهی و شارت که بو آهوی ختن بو به خطا — جمه نحو دبی فراق بو به سکابی وطن

دلبرات بو به بنجیره چو به قفقاز و سیبیل — نوجوانانت اسیر کرد او نو عزیزانی بی کفن

جی علم کا نو امام و مدرسه و نشر علوم — بانک جی دستی قسو نو کو جی وعظ و قصص

ممبر و مدرکو دست بدره وحجره کانو خو بکه — بو یمی فانه وطوبه معبد عبد و سن

حفه وای بقری قیبت بو صف بلغ صف — سره دایه بسره برام گو مکه قلبی بحسن

معشره داود بلا ب امر و کر بلا بر شا رسم — کشتو نا لدنو بنجیره کوا دنیز بین

رنج سلم بحاب رحمتی یا مصطفی — طلم کا فر بحب غضبی یا ذو المنن

[illegible]

آقای علی [illegible]

آقای جهانگیر اگر خیال نارت و قرض است الله [illegible]

کاغذ چاره این کار را بنویسید [illegible] طلا دارد

بابای نفر این [illegible] بعنی [illegible] بابا [illegible]

عوض قرض با آقای جهانگیر [illegible] باشد

طلب خوشی [illegible] جهانگیر [illegible]

باعث [illegible] خوشی از شما [illegible]

سلام [illegible]

[illegible] شوق شده است

دو دو [illegible] بالا [illegible] شوق شده است

[illegible] بالام [illegible]

نمی گردد [illegible] بالا [illegible] است

[illegible]

بشرف ذیشرف حضور مستطاب بندگان حضرت اجل اکرم عالی آقای رئیس الکرم دامت عظمته العالی

دستخط محترم زیارت راجع به قاتل حنیف و روز تفحص و جستجو از

هنوز از سفر اردوی مراجعت ننموده میرزا احمد ولدش را الیه دادم تعقیب

و نشانه و عنوان آثار در تمام بازار که اموال و مخفیه و اشیاء قاتل را

سرقت نموده فرار کرده خوانده چهار روز او را تعقیب نمودم

اثری دستگیر نشد... امروز چهار نفر از اهالی کردندی را

بطرف تکان تپه از اسلام آباد شاه آباد خبری پیدا کرد دستگیر نمودم

از تفتیش و تحقیقات انتقره باقی که باشد بعرض خواهد رسانید جان نثار

[signature]

قربانت شوم

با احترامات فائقه و تقدیم عرض ارادت و بندگی و فداکاری و معذرت از تقصیر خدمت و عدم شرفیابی مصدع است امید دارم همه اوقات درنهایت ترقی و صحت و سعادت روزگار را مصروف فرمایند اگرچه حضوراً به حضرت اجل تقدیم و ادای وظیفه قیام ننموده‌ام لیکن شب و روز نسبت به آن آستان کرم [illegible] تان هزار فرد دیار آذربایجانی گویان و نالان و ثناخوان گردیده

هذا دوره ایام عشرت

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار
زین چار چو بگذری نهنگ آید و مار
وانگه به اسب و گوسفند است حساب
حمدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار

پیچقان ئیلی — موش
اود ئیلی — بقر گاو
بارس ئیلی — پلنگ
توشقان ئیلی — خرگوش
لوی ئیلی — نهنگ

ئیلان ئیلی — مار
یونت ئیلی — اسب
قوی ئیلی — گوسفند
پیچین ئیل — حمدونه میمون
تاقوقی ئیلی — مرغ

ایت ئیلی — سگ
تنگوز ئیلی — خوک

فدایت شوم

انشاءالله بصحت و سلامتی [illegible] نزول [illegible] امروزه برای قسمت
قدیمی عقب جناب آقا سید شریف [illegible] حضرت [illegible] بصحت [illegible]
نظر به [illegible] خویش و [illegible] الجزاری [illegible] در حضرت
حضرت آقای [illegible] امروزه تشریف [illegible] وجوه
لذا تا [illegible] روز [illegible] با آقای [illegible] از قسمت [illegible]
[illegible] همیشه [illegible] سلامتی [illegible]

[illegible]

در حضرت آقای [illegible]
[illegible]
[illegible]

۲۰ شهر صفر

۵۲

قربانت شوم

الان که از مراتب الزام میگذرانند احوالات بگو اند

مدتی وارد نیست وسیله رفتن نکند آقای گلدبه تا تقریباً

نیم ماه اتاق سمی تعداد زیاد از بابت وجه اجاره کلی به آقای میرزا صالح

برادر حاجی محمد صدیق مدیون است در خصوص یکبار رجوع فرش در توسط

آدم خودش شهر دای میرزا صالح فرستاده ولی آدم مخصوص است

به حضرت تو اهل شمو که بجای بابا رحمت الله که در موقع

ارائه فرش وقتی قیمت آن حضور داشته باشند

[illegible]

[illegible]

در خدمت حضرت آقای سید باقر و آقای

سید رحمن دارم سلام بسیار عرض می‌کنم که

دارم

در خدمت خواهران محترم لیلی بیگم و اقدس

تصدیق میدارم و قسمت بوس

کنز نشریم

التماس [illegible]

ابشروا یا اهل الاسلام

بسم ... وما ابطل الاسلام

قبله گاها جناب مستطاب مولانا محمد عبد الغفار دام فضله العالی ملاحظه فرمایند

عید تحقیق است و ثابت نزد من عید فرمائی فرمایند جان من

اصلی مطلب این است بنده و جناب محمد امجد رویت هلال نکرده ایم ولی

جناب محمد کریم گل خان با چند نفر اهالی قریه و جناب محمد عبد آقره گل

با چند نفر اهالی آنجا رویت هلال کرده اند و شهادت هم داده اند

در نزد بنده و جناب محمد امجد ثابت شرعی است بی تفکر بعیدیت عید فرمایند

عیدیت مبارک باد والسلام

فقط العبد عفی عنه

الداعی الراجی عثمانی

[illegible]

فدایت شوم

بالسلام از احوالات [illegible] شریف [illegible] ام و الحمدلله [illegible]

همراه [illegible] بوده ام دست خالی برگشته [illegible]

و از آنجا که [illegible] جناب [illegible] آقای [illegible] داریم [illegible]

[illegible] اعلام [illegible]

هر کسی [illegible] [illegible] داشته [illegible]

و اگر طلبی داشته [illegible] خواهد شد [illegible]

[illegible] شد [illegible]

اجازه خواسته [illegible]

[illegible] اعلام [illegible]

[illegible]

فرزند محبوب من میرزا حسن آقا نایب   مرقومهٔ شما مشعر از سلامت احوال فائز گشته

و تندرستی احوال شما بود توسط آقا میرزا احمد خان رسیده رفع نگرانی گردید از شرحی

که از جدیت و مراقبت در امر تحصیل نوشته بودید بینهایت از حد افتخار و خوشحال گردیدم

بایستی بدانید در عالم امروزه هم عصر ترقی است احترام شخص در جامعه منوط بمراتب

علم و دانش اوست نه با آرایش ظاهر   بدانید که عمر عزیز و اوقات گرانبهای

خود را در تحصیل هوا و هوس تلف ننموده قدر و قیمت آنرا بدانید و در پیشرفت معلومات

خود صرف نمائید   تا اینکه ندامت در بزرگی دامنگیر شما نگردد   و اگر مختصری

تأمل نمائید خواهید دانست هم اختیار غربت و اینهمه رنج من برای تهیه وسایل

تحصیلات و موجبات آسایش شما بوده است و بس   منتظرم در آتیه

بیشتر از سابق در تکمیل نواقص خود کوشیده و سبب خرسندی خاطر اینجانب خواهید شد

ابوالحسن ناظر

[illegible]

قربانت شوم رقیمهٔ سرکار عالی واصل و از سلامتی مزاج مبارک کمال خوشوقتی

حاصل گردید باری جای تعجب است سرکار عالی بی‌خبر تشریف برده‌اید و حال اینکه

قرار بود تشریف ببرید و اگر تشریف برده‌اید چرا اینجانب را بی اطلاع گذاشتید [illegible]

اینکه برای [illegible] فرموده بودید این است [illegible] تقدیم نمودم و در باب [illegible]

البته [illegible] بهتر است [illegible] سردار [illegible]

هرگاه سرکار عالی تشریف [illegible] باید [illegible] نرویم [illegible]

اکرم الملوک خانم [illegible] جواب فرموده‌اند در واقع حق دارند [illegible]

[illegible] جواب [illegible] باشم

جواب [illegible] نوشتم و [illegible] معتمد السلطان [illegible] السلام رساندم و [illegible]

جناب شیخ [illegible] سلام رساندم و ممنون [illegible]

و این است سرکار عالیه اکرم الملوک خانم را عرض نمودم

[illegible]

[illegible]

۲۹ ج ۲
۱۳۵۱

فدیت شوم

حقیقةً رقیمه که بی‌اندازه مورد انتظار و مژدهٔ سعادت و تعالی آن آرزو و آمال بود
شرف وصول یافت [illegible] علیم است باندازه مسرور شدم که ما فوق آن در نظرم متصور
نخواهد شد آیا چاکر این مدت چرا قدری بد و کلیه یار تمنا مورد آیا طول مسافرت
هم تا این اندازه خواهد بود.. اغلب وقت آرزو داشتم که ارادت خود را
بخدمت عرض نمایم از آنجا که از آمد و شد عابرین بحضور آنجناب بی اطلاع بوده‌ام
موقوف گردید و ضمناً خوب تأمل می‌کنم که کسی ندیده‌ام که حضرت عالی را
دانسته باشد گردیده باشم هم بی‌خبر بوده‌ام.. امیدوارم آن را الله چند روز
دیگر عنایات کامله مرحمت فرمایند که حضوراً شرفیاب شده درج
آرزومندی را عرض و تقدیم آنجا بنمایم.. رنج همیشه خواهم
ام کلثوم هم از حضرت ممنونم بود که بعض رنجی آن با حضرت رنج شود

حضرت جناب مستطاب آقای سید بابا [illegible] فضله العالی

شرح [illegible] شریف واصل و از سلامت ذات عالی نهایت [illegible] خوشوقت شدیم

در موضوع [illegible] که میرزا مهدی [illegible] از میرزا مهدی [illegible]

[illegible]

که میرزا مهدی [illegible]

[illegible] میرزا مهدی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] میرزا مهدی [illegible]

فدایت شوم [illegible] هفته است از بندگی [illegible] بی‌خبر مانده‌ام [illegible]

تقدیم اظهار ارادت [illegible] سلامت وجود [illegible]

و وجود [illegible] در فقره [illegible] عباس خان [illegible] نوشته بودید [illegible] از اینجانب

در [illegible] شرح [illegible] به حضور عالی نوشته بودم در [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] ارادت [illegible] در فقره [illegible]

[illegible] در [illegible] مأمور [illegible] کرده‌اند برای [illegible]

[illegible] باید [illegible] مأمور باشد علیه [illegible] لازم است [illegible]

حضرت عالی [illegible] روزی [illegible] دارد باقی [illegible]

[illegible]

[illegible]

۴۴۸۱

۲ عقرب

جناب قاضی ... و آقایان قضات محترم

آقایان رؤسای اکراد ... بدست ... و ... طهران

بعزم زیارت حضرت اشرف حرکت ... عمر طوایف اکراد

... از ... مستدعیم ... آذربایجان

صورت حساب بارهم از ... یهودی ... ورود ...

...	فاستونی	جیت سرخ	جیت سفید	جیت ...	...
۵ ...	۹ ...	۲۱ ...	۳ ...	۲ ...	

فاستونی ...	شده سرخ	جبه ... جیت سفید	جبه ... جیت ...
۴ ...	۳ طاقه	۲ ...	۸ ...

جناب عمدة الامراء العظام رشید نظام زید مجده

در موضوع وجهی که در نزد جناب آقای میرزا علی خان در بوینه [?] باقی

مانده تا بحال دو دفعه آدم فرستاده ام اهر دم [?] بقسمی متعذر شده است

قرار گذاشته بودم ده روزه وجه را اصیلی [?] در توسط آدم خودش به

ارسال نماید ما بعد بیست روز است هیچ اثر از ارسال آن پیدا نیست

لذا ابلاغ نوشته و صورت بدهی مالکین رعایا را منضم [?] فرستادم

که در مدت یازده روزه تمامی را جمع آوری و [illegible] در اینکار [illegible]

که از این زیادتر در وجه تأخیر ننموده و اسباب [illegible] نشود

٢٧ ع ١
١٣٥٢

حضور مبارک جناب سیدی السادات العظام آقای حسن پور دام [illegible]

الان که در منزل مبارک [illegible] وارد شده‌ایم در نهایت صحت و سلامت

روزگار را بحمدالله میگذرانند از بنده خواهش درخواست فرمایند

بحمدالله و از لطف خدا بجز دوری دیدار آنان ابداً نگرانی [illegible] نیست

و از هر حیث روزگار خوب میگذرد، لیکن الحمد [illegible] روزه با گوشت

جناب حاجی آقای امام حسین [illegible] در [illegible] و سعی آقای طایفه [illegible]

و امام عزیز خانه بنده به قریه [illegible] حرکت [illegible] در واقع از رحمت

این آقایان از حیث مقرریات و غیره که همه شان احترام [illegible]

دارند رضایت کامل دارم [illegible] عرض شود

[illegible] چند روزی [illegible] روز دیگر [illegible] خدمت [illegible]

آقای حسن پور
علیحده [illegible] جواب [illegible]

٢٧ ربیع الاول
١٣٥٢

در خدمت ذیشرافت [illegible] خواهران [illegible]

به ادای مراتب ارادت و محبت [illegible] کمال [illegible] شده‌ایم

منتظرم [illegible] خط [illegible] صحت وجود [illegible] سرورم

دارند [illegible] آقای امام حسینی [illegible] از [illegible]

[illegible] روز دیگر [illegible]

حامل این کاغذ مصطفی نام آدم مام حسن است فعلا در شهر منزل
دارند ۲ چهار نفر از آقایان محترم با نوکر در شهر هستند
هر کاری و هر سفارشی و هر کاغذی داشته باشند
بدون هیچگونه تعرض برسد

نوشتم

نظر برآنکه مدتیست مدید و زمانیست بعید از فیض حضور [illegible] مشعوف گرده

دارد که از کشف اطلاعات کیفیات [illegible] آن بزرگوار محروم [illegible]

آن بزرگوار محروم [illegible] که خبر از ایشان

فغان که در طلب [illegible]

[illegible]

ایشان [illegible]

[illegible]

آب حیات [illegible]

باد [illegible]

۱۰/۶/۲۳

برادر عزیزم آقای سید علی بعد از ادعیهٔ خیریه کاملاً زحمت بدهد

این چند روز بارها گلایهٔ شما در چند کاغذ دیده‌ام فرستاده‌اید

جای عجب که نه کاغذی مفید است و نه خبری دارد برادر جان عزیزم

این بی‌خبری آنجانب باعث کمی محبت بلکه باعث

بی‌مجالی آنجانب هر صورت باشد به وقت در توسط حامل

تعویذ نور چشمی محمد مسعود را روانهٔ خدمت نمودم دریافت

دارند و مبلغ یکصد افغانی خدمت فرستادم یک کاغذ نوشتنی

بدهید روانه فرمایید و مبلغ ۳ آن دیگر ام تیلم حاصل نمودم

باید قبول زحمت بفرمایید تیلم به خالد جان بخشید چون او

بلدیت دارد یک زوج کفش زنانه خیلی خوب جهت

الهی دیگه قبای و تن خوب برای فرزندی جانم

سیادت مآب و نجابت انتساب سلالت مند و حبیب حضرت سید علی

سلمه الله تعالی سلام رسان و داعی خیر به سیادت و احوالپرسم

انشاءالله جمله بصحت و خوش اوقات به تحصیل کمالات

عمر عزیز را مصروف مینمایند مکتوب شما دریافت

شد بشارت سرور عموم موجب شادمان خاطر گشت

حفظکم الله و یعصمکم من الآفات والعاهات اشیاءها جمله

رسید کتاب مطول و سید علی خان کبیر بسبب نامطبوعی

خط و چاپشان اعلا ندارم باوجود فضیلتشان بسیار

گران بها واقع شده اند انشاءالله در ضمن کتابهای

دیگر از تبریز وارد میشوند کتابهای لطیف فراموش

نشوند راجع به کتابهای فاضل چیزی نه نوشته

بودند کاغذی که برای او و میرزا خضر شلماشی نوشته

بودم به جواب نرسیدم البته برودی مرا خبر بدهند

و جواب نامه فاضل و میرزا خضر گرفته در پاکت دارند

سلامت مندان عزیز میرزا اسماعیل و صوفی علی و درویش محمد میرزا علی بدعای خیر و احوالپرسی

یاد میدارم انشاءالله همه سلامت و بی ملالند هر یکشان و برادران دین مبین اسلام را بدعای

خیر تذکار دارند دو مکتوب یکی برای میرزا خضر و دیگری جهت ملا سعید حفید مرحوم قزلجی

جواباً فرستادم به مطلوب رسانند والسلام علیکم و صلی الله علی النبی محمد و آله المعصومین

دست دعا یکی یاهو و دیگری اسماعیل و آن دگر میرزا علی آقا در جوف — نقشبندی حقانی

پاکت ببست به صاحبان خود رسانیده — حق کتابها و اشیاها انشاءالله بعد گروانه خواهم نمود

کتاب سید علی خان اصلاً نمی خواهم نباید بخرند

کتاب مطول و سید علی خان نزد خود نگه داشتم
و پول تمام بیست و پنج قران روانه شد تسلیم
صاحبش نمایند پول را از حامل ورقه اخذ
نمایند ح

خدمت ذی موهبت جناب سید السادات العظام آقا سید علی آقا دام اقباله

ان شاء الله مزاجاً صحیح و سالم و مدلی را صورت وقوع ندارند باری

همچیز باعث شد که برادرم آقا سید فخرالدین را از طرف نفرستم

یک قول شرفی که به جنابعالی دادم و تأکیدات حضوری ام فرمودند

دیگر در این موقع هم وقت گذشتن نوبت برای مسافرت آنحضرت آقای علامه دام فاضله

چون بعد از هشت روز دیگر باید به بر جاهی به ده بروم آنحضرت باید از هم آنجا

زیادتر برادرم را معطل نفرمائید و حضرت آقای سید محی الدین دام فاضله از چهار روز

بیشتر مشارالیه را توقف ندهد .. و در خصوص شروع نمودن تعمیر بعد

اختیار با خود جنابعالی است ولی منتهی بعد از هشت روز دیگر ناچارم

[illegible] عرض ارادت دارم [illegible]

فرمایش شیخ رضا

گلستانی که خونی آستانهٔ غوث گیلانش / رزه فیض مقدس غنچه در صحن خیابانش

غلامم کمترینم ملقب شد بخواجهٔ احرار / بقطب العارفین مشهور شد طفل دبستانش

مطاف سرکشان طریقت کعبهٔ کویش / سرگوان فرازان حقیقت گرد میدانش

بهای نقشبندی خوشه‌چین خرمن هوشش / شهاب سهروردی کاسه‌لیس خوان احسانش

هزاران شمس تبریزی خراب و والهٔ عشقش / خداوندان سر و شهریاران بندهٔ فرمانش

~~شهنشاهان ... بندهٔ فرمانش~~
شهنشاهان لطفی و شهریاران طریق ... / هزاران پیر جامی با همه ... بزم احسانش

رضا را همت شهباز لاهوت آشیان ... / بعشق گنج آخر ز دست درگاه خوش خوانش

الفقیر رضا

لاف از عشق حسین است سرت بر گردن است / عشق بازی سر میدان وفا افکندن است

گر هوا خواه حسینی ترک سر کن چون حسین / شرط همدانی بگنج خویش بازی کردن است

از حرم کعبه کمتر نیست دشت کربلا / صد شرف دارد بر آن وادی که گوی ایمن است

دشمن دشمن فدای خاک پای کاندر او / نور چشم مصطفی و مرتضی را مسکن است

سنیم سنی ولکن حب آل مصطفی / دین و آیین من و آبا و اجداد من است

لطف باشد گر نپوشی از گدا هاروت را   تا بکام دل ببیند دیده ماروت را

همچو هاروتیم دائم در بلای عشق زار   کاشکی هرگز ندیدی دیده ماروت را

کی شدی هاروت در چاه زنخدانش اسیر   گر نگفتی شمه‌ای از حسن او ماروت را

بوی گل از غنچه گوی در چمن هاروت بو   ببندان مستند گوی دیده چون ماروت را

می کشم جور و جفاهایت ز هجران ای صنم
روی بنما تا ببیند حافظ ماروت را

فدایت شوم

چند روز است بنده فدوی عازم حضور مبارک بودم چون جناب آقای
میرزا رحیم صفائی در اینجا تشریف داشت محض برای آن ممکن نشد
و از قراری که معلوم شد دیروز شترهای جناب عالی از اردومیه کجا به [illegible] زحمت کشیده اند
چون شترهای اینطرف کمتر بود میرزا رحیم را به جناب [illegible] گذاشته که [illegible]
که بنده اطلاع دارم روز چهارشنبه شترها را اینجا بفرستند [illegible]

پیش از آن کادم بری بود خمیر مایهٔ طین — بو خورشید جلالت آفتاب ملک دین
پیش از آن کو سلیمان انس و جن زد نگین — مهر منشور تو بود رحمة للعالمین
تا بجای رفته گزره مانده جبریل امین — از دست حق در ازل خوانده شفیع المذنبین
چشم بگشا که کاران استرابین
تا هدایت یابد از تو هرکه در راه خطاست

پادشاها بر درت بار گناه آورده ام — در پناه عصمت شاها پناه آورده ام
نامهٔ طاعت چه روی خویش آورده ام — اشک سرخ و روی زرد همچو گواه آورده ام
جان پر درد و زبان عذرخواه آورده ام — ره‌سپیدی رو سوی این بارگاه آورده ام
بعد ازین با صد خجالت رو به راه آورده ام
مرهمی نه بر جراحی ریشم م دردم بسته است

نامراد بیکس ۲ ز مایهٔ طاعت فقیر — چون یک رکنی نجنگ نفس با فرمان امیر
موی چون کافور و روی از ظلمت عصیان چو قیر — با ازاران تشنه در دام خجالت گشته اسیر
مدعیم جان باخته تا چاره سرون نا گزیر — پادشاها بر گدای خویشتن خورده مگیر
هرچه کردم در گذار و هرچه گفتم در گذر
ونه انقوت م نعت حضرت گوهر است

[illegible]

کلام عصمت [illegible]

جیش کین چرخ زبرجد پر ز اختر ساختند — وز شعاع ماه نو ایوان منور ساختند
خرگه نشین شهرا قبه زر ساختند — مجمرا از ز شب و مجلس معطر ساختند
خوب رویان خانه بر خورشید انور ساختند — مطربان مغنوی با یکدگر بر پا ساختند
زاین غزل جمله دهنها پر ز شکر ساختند
کی قبای مهتری بر قد زیبای تو است

تا حدیقه را ز شبنم گنج گوهر کرده اند — از شقایق سایبان بر سبزه زر کرده اند
تا ز بوی گل مشام جان معطر کرده اند — تا کده لاله از یاقوت احمر کرده اند
چشم نرگس تا ز بوی گل منور کرده اند — تا دهان غنچه پر از خورده زر کرده اند
سرو را تا بر گل سایه پرور کرده اند
چون تو سرو از جویبار قدم فاند در بجوا نیست

روزگاری دم در این زندان بیهمدم زدم — سنگ نومیدی بسی بر سینهٔ پر غم زدم
تا از این گلخن قدم بر فرق عالم بر زدم — نارسیده دست رد بر روی نامحرم زدم
از دم وحدت صفا گردبان بر بام زدم — بر کشیده آه و آتش در همه عالم زدم
تا ز نعت خواجهٔ طه و یس دم زدم
ملک بکر ز معنی در هم خورشید است

ای فروغ طلعتت خورشید اوج اصطفا / طرهٔ تو شام قدر و عارضت شمس الضحی
بر صفای سینه‌ات صدر الم نشرح گوا / پیش ازان کادم صفی بودی تو بودی مصطفی
مهتر عالم محمد خواجهٔ هر دو سرا / باز بر معراج سبحان الذی اسری برا

از جبین نور تجلی با مه کنعان نما
کآفتاب روی تو آیینهٔ ذات خداست

ای ز بوی تو شده آتش گلستان بر خلیل / صد چو اسمعیل در قربانگه شوقت قتیل
ماه حسن تربیت یعقوب با صبر جمیل / گشته از شوق جمالت غرق صد رود سبیل
با عصای شوق تو شق کرد موسی رود نیل / بر سر خوان کمالت عیسی مریم نزیل

سورهٔ والشمس بر رخسار رویت شد دلیل
آیهٔ واللیل بر بند ولی مویت گواست

ای بر قدر لعمرک زد لولاک اب و پر / کرده در یکدم ز دار الملک را او ادنی گذر
مه بهم نیمه کعبا منشور وانشق القمر / والضحی از پرتو خورشید رویت یکشرر
نرگس مردمکت مکحول مازاغ البصر / حضرتت را نعت لا احصی ثنائه مختصر

از مقام قاب قوسین تو می جستم خبر
ابروت بر روی زیبا کج نشست و گفت راست

ای بیکدم سیر کرده از زمین تا لامکان / سنگ ریزه در کف دست تو شد تسبیح خوان
چوب خشک از اشتیاقت کرد فریاد و فغان / برهٔ بریان به پشت زهر خورکها عیان
آهوی وحشی به تصدیق تو بگشاده زبان / از نم آب وضویت چشمهٔ حیوان روان

آفتاب عارضت را ابر دامن سایه‌بان
در خور رویت کبیرا ذره تنها کجاست

بر سریر لی مع الله تا ابد سلطان تویی / در دیار قم فانذر صاحب فرمان تویی
در گلستان فاوحی مرغ خوش الحان تویی / مطلع دیباچهٔ والنجم والرحمن تویی
قالب بیجان ما را در دو عالم جان تویی / سینهٔ مجروح ما را مرهم و درمان تویی

مقصد اسرار گنج علم القرآن تویی
رحمت تست آنچه دارد اهل غفلت را رجاست

ای ابوبکر تو بر اوج خلافت آفتاب / دی بدوران عمر اسلام را صد فتح باب
کرد قرآن را عثمان به خون صدر خضاب / در صف گردون کشان تیغ علی مالک رقاب
ملک دین دائم ز همت مصون ز انقلاب / تا قیامت بر هم ذره است ولها کباب

آنچه بر آل تو رفت ای خواجهٔ عالی جناب
گر زمین و آسمان از دیده خون بارد رواست

ما ذکر فی الورقة صح



الداعی

فتح الله کرد ساکن قریه کلته قرهش در باب بجاب آقای

عزیز آقا زن خود را امینه نام مجاناً طلاق داد

و زنکه مذکوره را الیها هر حقی در ذمه شوهر داشت نذر برای فتح الله

داشت نذر برای فتح الله کرد و به هیچکدام حقی

به سر یکدیگر ندارند و زنکه بعد از انقضای عده

هر کس را بخواهد شوهر نماید این کلمه به سبیل الطلاق نامه

قلمی شد تحریراً دوم شهر ذیقعده ۱۳۳۵

ما بندگان بهادر حسن و کربلایی عبدالله و محمد امین متقی انگشت زدیم

هر که باور و جهل و شتی نوکند و سنگ حسین در قریه کارنامه

برای جناب میرزا آقای حسین آقای عباسی دام اجلاله کارگزار

مبلغ سیصد تومان را شهرداری حقوق تمامی مخور از جناب امیری

دریافت نمودیم مطفی رسید شد و به دفاتر عنقریب [illegible] نکند کلمه را

نوشتیم تحریر ۱۲ شهر صفری [illegible] ۱۳۵۰

محل انگشت محمد امین — محل انگشت بهادر حسن — محل انگشت کربلایی عبدالله

(عذر کتبی نخواهم)

فدایت شوم

با تقدیم مراتب ارادت و تسلیم در بند مراتب محترم زحمت رسیده و اشاره به ابیات

دست روزگار مصروف فرمایید از مضامین جدید فرمایید چه از جانب دیدگان روزگار

به یاد حضرتعالی در گذر است و دیگر به رابطه عدم علم به حال بنده به حضرت ارزانی برادرم

که شاید نامه فراموش کرده شده فعلاً ترتیب دریافت تاریخ تهیه نموده‌ایم به رابطه عدم

شکل معدوم مانده‌ام تا امروز شرح مرقوم به بصیر ایمان برده اظهار ارادت

که حضرتعالی شکل حاضر دارند این است منتظر صادقانه احترام دارم دوباره بهمت

با شاید قیمت یکبار شکل رابطه عالی فردا چاره فرموده به هر دو درین

بیان عزیزتان در محضر ندهم تا روز قیامت یادتان خواهد شد و فرمایید

معذرت بپذیرید که کفایت جوانان نکنید آن عذر پذیرفته نبوده

باقی جانت را با احترامات فائقه تقدیم میدارم

عن عدي ابن حاتم

[illegible] عن عدي بن حاتم

جزاء الكلاب العلويات وقد فعل

جزى ربه عني عدي بن حاتم
جزاء الكلاب العلويات وقد فعل
فان سماحة والمروة والندا
في قبة ضربت على ابن الحشرج

حضور محترم عمه ابوی آقا میرزا محمد باهر تاجر ساوجبلاغی دامت شوکته

امیدوارم که وجود مسعود مبارک [illegible] انشاء الله به صحت باشد

[illegible] خواهش دارم [illegible]

آدم خودم فرستادم ۲۰ دانه شده اعلا ۲ ذرع نخ ابریشم

ارسال دارید دو تا یکشنبه روغن گوشت و نزد سید عبدالله

طه زاده بخرید روانه فرمایند زیاده والسلام خادم عمری

در قیمت شد از سه تومان ۲ قران باشد

دعاگوی عزیز محمد هستم در خدمت جناب [illegible] سلام برسانم

[illegible]

۳۸/۹/۷

مقام منیع ریاست محترم دادگستری شهرستان مهاباد دام اجلاله

احتراماً معروض میدارد — فدویان عبدالله و عزیز و سلیم شهرت ایوبی ساکن قریه کهریزه بخش بوکان ما در قریه نامبرده قریب بیست نفر خورده مالک سکونت داریم — درمیان این همه خورده مالک فقط آقای مجید کریمی نفوذ و قدرت و ثروت فوق العاده دارد — و آقای مجید کریمی برای مختصر سهم ملک ما بندگان مشتری گردید و اصراراً و مکرراً سختگیری کرد که باید بنحو بفروشند — ما بندگان که قطعاً نظر فروش ملک خود را نداشته و نداریم — در جواب اظهار میداشتیم که وسیله امرار معاش ما همین مختصر سهم ملک است نمیفروشیم — بعد شروع به بی احترامی و تهدیدات سخت نمود — تا اینکه پنج سال قبل چهار ساعت از شب گذشته که ما بندگان در خانه نشسته بودیم درب اطاق باز شد مجید کریمی با سه نفر دیگر مسلحانه وارد اطاق ما بندگان شد — پس از کتک کاری و زد و خورد فوق العاده با ضرب خنجر و گلوله طپانچه — ما بندگان عبدالله و عزیز را مجروح و زخمی و اثاثیه خانه را غارت نمودند در اثر داد و فریاد ما بندگان و اهالی و عائله که اهالی قریه خبردار شدند و حرکات مجید کریمی را دیدند از نفوذ و قدرت مجید کریمی ترس و وحشت گرفته فراری میشدند — تا اینکه در وسط حیاط یکی از همدستان مجید کریمی عبدالله سهرابی نام دارد و نسبت قومیت با او دارد — دستگیر و فوراً به ژاندارمری بوکان گزارش داده شد — ریاست ژاندارمری بوکان که بمحل آمد و از نزدیک حرکات مجید کریمی را دید — عبدالله سهرابی را دستگیر نموده به بوکان آورد و بعداً به مهاباد فرستاد و ما بندگان برای معالجه و بهبود زخم خنجر و طپانچه در شیر و خورشید سرخ مهاباد بستری — و بعداً در دادگاه سپاه ۴ مهاباد مجید کریمی به ۵ سال و عبدالله سهرابی به ده سال زندان محکوم شدند — پس از مدتی در دادگاه تجدید نظر رضائیه مجید کریمی به ۳ سال و عبدالله سهرابی به ۵ سال زندان محکوم گردیدند — بعداً مجید کریمی که دارای قدرت مالی میباشد — در تبریز خود را تبرئه و بقریه کهریزه مراجعت و وضع بدتر از سابق شروع به تهدیدات نموده آنی غفلت نمیکند — حتی در این اواخر در دادگستری مهاباد بنام مفتری و ادعای خسارات مالی از ما بندگان شکایت نموده است —

در اینموقع ما بندگان برای وجه معاش در نهایت وضیقت مالی هستیم مجید کریمی چشم طمع بهمین مختصر سهم ملک ما بیچارگان دوخته و هر روز بعناوین مختلفه میخواهد ما بندگان را بصدمه دچار نماید — با این وضعیت که زندگانی برای ما بیچارگان تیره و دشوار گردیده — روی امیدواری بمقام معظم آورده تمنا داریم با توجهات عادلانه که دارند شرارت و ظلم و ستم مجید کریمی را از سر ما بندگان رفع فرمایند امر امر مبارک است

از آقایانیکه علم و اطلاع دارند - بر اینکه در معرفه سال ۱۳۲۱ شمسی - صوفی مولود شهرت دلنخواه پدر ما فدویان

(مطلب و ابراهیم) که در قریه برده رشان محال شهریوران سکونت داشت و در پائیز ۱۳۲۱

از طایفه دهبوکری - آقایان معروف آقا و قادر آقا و عباس آقا که هر سه باهم برادر و در قریه

رسول آباد واقعه در محال شاهات سمت مالکیت دارند هشت راس شتر مال صوفی مولود -

پدرماندگان را با قوه قهریه غصب و در حمایت خود شان قرار داده اند و در آخر همان

سال ۱۳۲۱ صوفی مولود در قریه برده رشان فوت نمود - ورثه آنمرحوم که فقط ما فدویان

مطلب و ابراهیم - که مذکور در سال و صغیر بودیم - کسی دیگر نداشت و ما فدویان هم تاکنون

بواسطه صغر سن و ترس و خوف از تهدیدات و مقام غصب کنندگان فوق نتوانسته

همان شترها را با خسارات قانونی از ایشان استرداد نمائیم - تقاضا و استدعا داریم از آقایانیکه

باین موضوع اطلاع دارند گواهی خود را در ذیل اینورقه نوشته و امضا فرمائید

اطلاع دارم این موضوع حسین فرزند رمضان شهرت آتش پنجه ساکن: توانی

اطلاع دارم این موضوع رمضان فرزند حمزه شهرت مرادی ساکن زیبن دنیین

اطلاع از این موضوع - عبدالله شهرت رحمانی دارم ابراهیم ساکن لغ آوزنده

مهر سرانلشت احمد فرزند محمد شهرت سعادت اطلاع دارم ساکن دیگوردج

اطلاع دارم مصطفی [illegible]

۲۸/۳/۱۱

فدایت شوم

تعلیقه رفیعه مورخه ۵/۳/— در روز ۹/۳ شرف وصول یافت و بشارت از بابت صحت وجود و عموم اقوام و اهالی خانه

باندازه‌ای مسرور شدم که از حد تحریر خارج است از اینکه بابت نقل مکان بنده اظهار عدم رضایت فرموده‌اند —

که چیزی در نظر جنابعالی از روش تخته بیفزاید – یکی اینکه وضعیت عجز بنده در قریه کلیج چه جوری بوده که شرح تفصیل آن را بدانم بنمود

و دیگر اینکه در قریه شلوه در حضور آقای کاک حمزه نالوس سکوت نموده‌ام و تیر اینجانب زنبابی آمده محبت بنده را داشته و پابگاه

که دارند حالیه الم آنکه ندرسه آقای واربابها بعمل آورده‌اند — آقایان معظم اگر از حق نگذرند میدانند

رفتار آقای مهدی آقا چه طور بوده و حرکات ایشان با جلدتها عداوت درست مکنه بنده چه طور میتوانم در سلسله جنابانی

خصوصیت او با حضرت آقای کاک عبدالله را در مرکز شکست داده‌ام — با این حالت اختیار کاهی اینم درست

آقای مهدی آقا مایه — خدا عالم است در این موضوع بلطفی آقایان باعث بوده بنده تقصیر نداشته‌ام و بعلاوه

در سایر آداب دیگر که آقای مهدی آقا رفتار داشته اعتنا نفرموده‌اند خوب بوده که منزل فرار نزد ایشان بوده هر حال

با هر کدام از آقایان محترم روبرو شوم میتوانم مطالب را درست ترجمه بگویم و ثابت کنم تصدیق میفرمایند بنده را چه عرض نمایم

مرتضی

در وصول بنده مبلغی [illegible]

صفت کله صدق و یاری کې حقیقت
د سالک ذکر و دیمانه دیاچې

بیداره بیداری دل پیمانه دیاچې
تو یا و سر برسع دیمی د دلوره

بې نشه ذات دیمانه دیاچې
بې ذوق محبت می و میخانه دیاچې

عاشق او رشیت د خیالات بې بې
فضل و هنر و عارف و فرزانه دیاچې

زاروره ناموس طریقت مه زاهد
ورد سحر و سبحه صدانه دلې چې

باطن اور بې بحو اسرار خدا بې
بې گنج حقیقت دل ویرانه دیاچې

د واعظ وراره بې دعوت ادیا فتره محزون
پند دسحر بوم و رقت تر دیاچې

پیش‌نویس است

۲۹/۱۲/۱۴

مقام منیع ستاد ارتش فرماندهی معظم سپاه ۴

احتراماً معروض می‌دارد — یکصد پارچه ده ملک بنده در محال اشنویه بطرف دلدهقان ماس
در لب مرز عراق واقع و ده ~~باب قلعه‌ها و قلعه‌تیان و کانه‌رش~~ اتفاقاً وضعیت محل
طوری است که از مأمورین مرزی اشنویه و دلدهقان ماس دور و محروم می‌باشد — رعایا و ساکنین
دهات نامبرده دارای گله و مال و مواشی هستند هر سال در اواسط فروردین الی آخر آذر ماه
همیشه از خطر سارقین و عنصر خلافکار عراقی با دشواری و زحمت نگهداری مال و مواشی بعمل آمده
حالیه برای تأمین وضعیت ساکنین دهات مزبور و حفظ و حراست مال و مواشی بنده و اهالی در این مرز
استدعا دارم امر و مقرر فرمایند دو هزار قبضه اسلحه به بنده مرحمت دارند که وسیله حفظ مال و مواشی
و اطمینان اهالی در زندگی و تأمین در حدود سکونت و شر عشایر در کسب و کشاورزی بعمل باشد

۱۳۳۸/۸/۲۵

موجب تحریر اینکه آقای تیمار احمدنیا مقیم و بابا فرزند مامد و دو رأس ماده گاو از مال خودش

و صفر رستم فتحه شغل زراعت ساکن قریه سارم ... منگور دو رأس ماده گاو از مال خودش

با رضایت طرفین به عنوان ثلث الکاره به عهده شش سال در مقابل یکدیگر قرار دادند و به تحویل

صفر رستم فتحه که ثلث الکاره است داده‌اند در تمام مدت شش ساله زحمات نگهداری و چرا و علیفه

و تقاضا ... از هر قبیل هزینه‌ها به عهده صفر رستم فتحه است و صفر رسول تعهد نمود که تا آخر

مدت شش ساله از کلیه ماده گاوهای فوق و زاینده یعنی از هر یک از ماده گاو زاینده دو سیر روغن

زنک بابت سهمیه سالیانه در ... به تیمار احمدنیا تحویل دهد و بعد از اتمام مدت شش ساله

کلیه مالهای فوق و بچه‌ها و زاینده‌های آنها را به دو قسمت مساوی تقسیم نموده و هر یک قسمتی را که دارند

ولی در تمام مدت فوق بدون رضایت یکدیگر حق هیچگونه معامله نسبت به مالهای فوق و بچه‌های آنها ندارند

حق ... و غیره از طرف تیمار احمدنیا به رستم فتحه رسیده است تحریراً فی ۱۳۳۸/۸/۲۵

اثر انگشت صفر رستم فتحه

اثر انگشت تیمار احمدنیا

علم مدموف کرکم

شغ عم کو ... تعالا تو بو ... دل
... [illegible] ... تر ... ول
مع ... [illegible] ... بصر زبان
... [illegible] ... دیل ... دل
... [illegible] ... یکره
... [illegible] ... ول
... [illegible] ... کورک ... دل

یعنی کورک دسکز رو سراز کاه مو — زیرا شکارک ... هرکز ... گردل

بر مال مکر ره همه ... سما و رقص و سکنش — بر بونه ... گرسو گر له گر آل

وکر کرک ... بدور ... لدت کید — دغلانره همر له خرو الکوست دیشرو ودل

... [illegible] ... — ... [illegible] ...

آدال کراس کیزه ورن و فاتم وطن — دایی رنیی ادان سیابانی فوزن ترول

تاکه دماغ برزد ... ترک فرض — لیان حرام ره صحبت فاتن ترم ودنز ل

سردار و کتمد ای مکر ان خدمت کران — رانکیک کرنه ولتو لته حوحبت گرول

[illegible] عزیز [illegible]
[illegible] دل

[illegible]
[illegible] دل

[illegible]
[illegible] دل

[illegible]
[illegible] دل

[illegible]
[illegible] دل

می رسیده شاعر حیرت [illegible]
[illegible] کردی [illegible] دل

رونوشت از کاغذ قدیم

عمادالامراء ایلط

بطوریکه سابقاً نوشته شد و بموجب تقسیم کرده اید

این یکصد تومان را از آقایان وعلی گرفته

این پسرعمو بیچاره را آسوده نمائید



شماره ۵۴۵۶
۲۶/۱۱/۴۱

آقای ... بدینوسیله یک برگ رونوشت

لایحه تشدید مجازات بزه عبور از مرز

جهت اطلاع به پیوست ارسال شایسته است

مفاد آنرا بفرد فرد اهالی آن ایل

گوشزد و رسید آنرا گزارش دهید

مرزبان درجه ۱ و فرمانده پادگان خانه

سرهنگ ۲ [illegible]

[illegible]

آقای ....

در پاسخ مشروحه مورخه ۲۶/۲/۷ حسب الامر

تیمسار فرماندهی معظم لشکر ابلاغ می‌شود

استقراضی از بانک فلاحتی در مقابل اسناد

غیر رسمی مخالف با نظامنامه و مقررات

مصوبه بانک ولی با مذاکرات با شعبه

بانک فلاحتی رضائیه بعداً آمده مستقیماً

مراجعه با مدارک مالکیت از قبیل قباله

و اسنادیکه مالکیت شما را محرز نماید

[illegible]

[illegible] آرتش

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

افتخار دارد بنام ملت و دولت ایران ورود موکب مبارک

شاهنشاه را بخاک میهن عزیز تبریک عرض نماید

فضل‌الله زاهدی

[illegible] آرتش

افتخار دارد از طرف افسران و درجه‌داران و سربازان

آرتش شاهنشاهی نزول اجلال موکب شاهنشاه را

بایران عزیز تبریک عرض نماید

[illegible] سرلشکر [illegible]

۲۴/۲/۴۲ گزارش گیلان

تصدق حضور مبارکت شوم همواره برای تنبه مرحمات اعلیحضرت همایونی را یادآور

و عرایضی فداکاری را تقدیم — و بقاء و دوام اجلال ذات مبارک را از درگاه

احدیت مسئلت می‌نماید — چنانکه خاطر محترم مستحضر است در این آخرین نقطه مرزی

حفظ و حراست نظام و انتظام و تسلط کاملی بر نگهداری آنها بدون اسلحه

دشوار است بطوریکه چندی روز قبل حضوراً معروض گشته تمنی است در این موضوع

توجه مخصوص ملوکانه را مبذول و مقام صدارت را از وضعیت

اطلاع داده و احتیاج مبرم آن به اسلحه مستحضر فرمایند — [illegible]

شماره ۵

۳۰/۸/۴۲

جناب ریاست محترم دخانیات کشور دام اقباله

احتراماً عرض میشود - در این موقع هم توتونهای چپق در قریه [illegible] و توابع حاضر شده است تقاضا دارم مقرر فرمایند - تعداد یکصد عدل گونی سیاهی که خدا رحم تسلیم نمایند. با ورود - هم الان اداره قبل از اینکه برف راه این ییلاق را مسدود نماید همین محصول را به دخانیات نقده تحویل نمایم

ای [illegible] در تنگی تو پیچ

چشم و خط و خال و رخ در ابروی تو پیچ

مشک تتر و [illegible] عنبر [illegible] پیچ

هر شب [illegible] نگذشت [illegible]

ای عاقل [illegible] گر [illegible]

گشته فدای قد دلجوی تو پیچ

سرو چمن و [illegible] و عرعر و شمشاد

[illegible] صوفی همه گشته [illegible]

که [illegible] جهت [illegible] قرار

[illegible] امروز [illegible] قرار

هستند هوا خواه سر کوی تو پیچ

شمس و قمر و مشتری و زهره و کیوان

از [illegible] نظر [illegible] گفت [illegible] آن

هر چند [illegible] تو [illegible]

در روی زمین نیست [illegible] چو تو [illegible]

زلف [illegible] های [illegible] کوی تو پیچ

[illegible] و عابد و زاهد و [illegible]

[illegible]

با [illegible] هر [illegible]

مشکل [illegible] عاشق [illegible]

[illegible]

اداره مرزبانی

شماره ۴۳۹۴

۴۱/۹/۱۲

بخشنامه [illegible]

بدینوسیله بعموم روسای عشایر و مالکین میهن پرست و با هویت ایرانی ابلاغ میشود که در این
موقع حساس عده زیادی از ایرانیان را بطور متفرق در عراق بعناوین مختلف
توسط مامورین عراق دستگیر و زندانی کرده اند و این موضوع برای عشایر دلیر ایران
زننده است ضمناً افراد عراقی هم موقعیکه بایران وارد میشوند آنها را در خانه های خود نگهداری مینمایند
این مرزبانی انتظار دارد من بعد هر فرد عراقی که بایران وارد میشوند توسط روسای
عشایر و یا مالکین عیناً دستگیر و تحویل نمایند تا آنکه این مرزبانی بتواند در مورد
تحویل گرفتن افراد ایرانی که در عراق دستگیر و زندانی شده اند اقدام لازم بعمل آورد
[illegible] و رونوشت به پادگان فرمانده مرزبانی [illegible]

شماره [illegible]

۱۲/۱۰/۴۱

۱۲/۱۰/۱۴

جناب آقای امیر

مرکز و دستور تلگرافی شماره ۷۵۴۵۲

۱۱۵۰۴
۱۰/۱۰/۱۴

اکنون دخانیات شهرستان رضائیه حوزه توتون‌کاری لاهیجان از اداره دخانیات

لاهیجان متفرع و تابع این اداره است بنابراین مراتب بدینوسیله باطلاع کلیه

آقایان مالکین و زارعین لاهیجان میرساند تمامی محصول قرارداده خود را اعم از سیگار

و چپق با دریافت پروانه حمل بکمیسیون خرید این اداره جهت فروش عرضه دارند

والا پس از انقضاء مدت خرید با دارندگان کالای خام دخانی که

مقررات قاچاق رفتار و متخلفین تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت

از طرف رئیس دخانیات سلدوز

اعلامیه شماره ۲۵

برادران عزیز آذربایجانی اهالی غیور و شاهدوست رضائیه عشایر دلیر احساسات میهن پرستانه و شاهدوستانهٔ دیروز شما شایان تقدیر میباشد

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

در نجات آذربایجان بیش از هر کس فداکاری کرده و آذربایجانیان شرافتمند و عشایر رشید این سامان از جان و دل فدائی شاهنشاه محبوب خود هستند اکنون که بفرمان ملوکانه فرزند دلیر و سرباز فداکار میهن تیمسار سرلشگر زاهدی خدمتگذار دیرین ارتش شاهنشاهی زمام امور را بدست گرفته کاملا مسلط بر اوضاع بوده و از هم میهنان عزیز انتظار آرامش و حفظ نظم و امنیت را دارند اینک از اهالی موقع شناس رضائیه و عشایر دلاور انتظار دارد با کمال جدیت آرامش و امنیت را حفظ و از این راه شاهنشاه عظیم الشأن و دولت قانونی را پشتیبانی نمایند و در مقام تجلیل از مقام شامخ سلطنت بشکرانهٔ این پیروزی عظیم امروز ساعت ۶ بعد از ظهر برادران سربازشما از مقابل مجسمهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رژه خواهند رفت از عموم طبقات اهالی و از کلیه عشایر دلاور برای شرکت در این مراسم سربازی دعوت میشود.

پاینده باد ایران   زنده باد شاهنشاه

فرمانده لشگر ۴ رضائیه - سرتیپ بیگلری

۳۲/۱/۱
محضر شریف

خدمت ذیشرف جناب آقای میرزا احمد خان امامی دام اقباله

همواره سلامت جنابعالی را از خدا میخواهم روزانه بطوریکه خاطر شریف مستحضر است اینجانب از تربیت شریف
راه سلوک زود بسته شود — لذا جداگانه بر باب محترم دفاتر نوشته و بجا نیامدم زحمت میدهم
خواهشمندم مساعدت فرمائید که تعداد ایستگاه عدل گونی های ورقه که خدا خواهد بدهند با ورود
هر چه زودتر شروع بکار بتوان نمود — امسال از زیادی باران هیچ در نقده معلوم نیست بانضمام قوم دارد

حضور مبارک حضرت آقای ..... دام اقباله

بمناسبت فرارسیدن سال جدید و عید نوروز بهترین تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصانه
معروض و پیوسته آرزوی صحت و سلامت و عزت و سعادت و موفقیت کامل جنابعالی
وجود شریف و خاندان جلیل را از درگاه خداوند متعال داشته و امیدوارم سال نو را
با نهایت خوشی و خرمی و کسب موفقیتهای شایان و شادی بانشاط و آمال و امیال بگذرانید

قربانت شوم عرض تبریک عید سعید و تهنیت سال جدید را وسیله تقدیم مراسم خدمت قرار داده
عزت و سعادت روز افزون ذات محترم و خانواده معظم را صمیمانه از درگاه احدیت مسئلت مینماید

دلاور ... ای شر ... در این ...

قربانت شوم

با نهایت احترام تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصانه خود را در این عید سعید نوروز تقدیم حضور محترم و آرزوی
وصحت و سلامت ذات عالی و خانواده محترم را از درگاه حضرت خداوندی مسئلت مینمایم

فدایت شوم توقیرا تبریکات و احترامات فائقه را در این عید سعید به پیشگاه عالی تقدیم میدارد

وزارت دارایی
اداره دارایی ...

شماره ۴۲۹
تاریخ ۲۱/۱۲/۲۱

[illegible] ۵۱۱۲ ۱۸/۱۲/۲۲ [illegible]

عطف [illegible] ۱۸۹۱۲ ۱۹/۱۲/۲۲ ، ۱۸۷۲۲ ۱۸/۱۲/۲۲ ، ۱۸۴۴ ۱۰/۱۲/۲۲ [illegible]

۵-۰-۶

[illegible] تا روز ۲۵ اسفند ۲۲۰۵ که حساب دفاتر پایان سال بسته میشود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره [illegible]

[illegible]

[illegible] ۷۵۴۵۲ [illegible] ۱۱۵۰۴ / ۱۰ر۱ر۱۳ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۵۰ [illegible]

زیاده [illegible]

ارادتمند [illegible]

اینجانب بسی مفتخر است که با تجدید سال موفق بعرض تبریک گشته بار دیگر عزت و سعادت آن سرور عزیز و خانواده محترم را از خداوند متعال بخواهم.

قاسم تنها

۴۶/۹/۱۲

خصوصی

شیخ بوشهری

قربانت شوم از طبیعت پر اهمیت حضرتعالی یقین دارم میهن پرست و ملت پرور و با شهامت و علاقه‌مند

به مملکت هستید و ابراز آن اهمیتی ندارد لیکن از نقطه نظر اینکه چهار روز قبل یک عرض کوتاه و مختصر

سفارشی نموده بودم که نتیجه نداشت معلوم است فراموش فرموده‌اید نمیدانم چه دلیل برای آن قرار دادم -

عجب است اینکه گویند ره است دل بدل را دل ما ز غصه خون شد دل تو خبر ندارد

به هر حال بنده عیدی را برای عرض عوض نمیکنم در یک محلی سربسته تکمیل کار خواهش کرده و تمیز

در نهایت صمیمیت به آشیرخانه مبارکه تقدیم - و امیدوارم خداوند در آینده بنحو مقصد نصیب فرماید -

همیشه ملایم باش که ملایمت

هرکجا باشد مایهٔ زینت است

و خشونت هرکجا باشد موجب

نقص است

۵/۴/۳۰

فرشته‌ام

نامه‌ات بتاریخ ۹ شریف قرین مسرت و سلامتی [illegible] خواهد بود [illegible] شریف در [illegible] و امیدوارم [illegible]

در مورد جواب [illegible] برای این موضوع [illegible] را [illegible] دارم [illegible] و [illegible] البته عفو خواهد [illegible]

[illegible] قصیر از حقوقات [illegible] در گذشته [illegible] جهت [illegible] آقای [illegible]

[illegible] اگر [illegible] خواهش [illegible] نامه‌ات [illegible]

راحتی [illegible] را فراهم [illegible] داشته [illegible] خواهد [illegible] یقین دارم [illegible]

[illegible] در [illegible] از [illegible] به [illegible] خواهد [illegible] برادر



نمره ۱۷/۶/۲۳

در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که متمم نمره است با نمره ذکر شود

وزارت جنگ

ستـــاد ارتش

کلانتر مرزخانه

آقای نماینده قطوری بالک کلج و قلعه شاپ

گزارش مورخه ۲۳/۶/۱۷ راجع بتوجه رعایا و سرقت اغنام اهالی [illegible] و صدور دستور حفظ [illegible] قطعی
شد چنین شهرت دارد از اشخاص مشهور سید آقا نابلیتی با و جمعیدارانی مأمورین
امنیه و قوای محلیه در هر نقطه [illegible] چنین گزارش ناحیه علیهذا لازم است
با ابتکارات خود رعایا را تشویق نموده و به کمک و مساعدتهای مأمورین آنها را
امیدوار و امنیت منطقه را به آنها گوشزد نموده و ضمناً تذکر داده شود این
تیر اتفاقات بوسیله اهالی داخله غالباً در هر نقطه می افتد والا که
قدرت سرقت و تعدی به رعایای شما هیچ راه نخواهد داشت =

کلانتر مرزی و رئیس انتظامات [illegible]

۱۰/۱۱/۴۲ طهران

وزارت دربار شاهنشاهی

مقام منیع ریاست معظم دبیرخانه شورای عالی عشایری

دراینموقع از توجهات ذات شاهانه ارواحنا فداه

شورای عالی عشایری تشکیل شد در کمال فداکاری

تبریکات و سپاسگذاری و آمادگی خود را

برای انجام خدمات تقدیم میدارد

[signature]

کلام عارف علامهٔ معروف

مختلف

سبحان من یمیت و یحیی ولا یزال — در کار او نه چون و چرا نه ره سؤال

اصناف خلق [illegible] الطبیع والمثال — ثابت نمیکند مگر خداوند ذوالجلال

بر صفحهٔ وجود و عدم خود قلم کش است

کبر و فنا و عجب تشخص مع الغرور — وانگه آمده به این عرصهٔ ظهور

از شرق تا به غرب بگردید چو نمرود — گفته صفی مرکز ما تا به نزاع و شور

نفسی که چون قریهٔ ما مشوش است

هرگز هنر [illegible] نکند پسند — هر کس که هست [illegible] حسن این [illegible]

چون اسم علم و معرفت آدمی شنید — در راه علم خود چو فرح عمر را کشید

کفا [illegible] جای فراوان [illegible] است

ای کورک گرگ [illegible] — [illegible] ز علم و هنر گهر دارد [illegible]

تا [illegible] قلم [illegible] … — [illegible] نسخه [illegible]

باری بیاد [illegible] اهل این — دارای جوهر و سخندان و نکته چین

هرگز [illegible] — باطن چو [illegible] ظاهر [illegible]

بر هر که [illegible] در [illegible] است

و هو کریم وارث این [illegible] — اگر [illegible] معرفت از لو [illegible]

در طی [illegible] هر جا [illegible] — [illegible] ازان [illegible]

نعم الفتی [illegible] است

یعنی امیر [illegible] کری [illegible] — این [illegible] زمانه [illegible] دیگری [illegible]

[illegible] زنده [illegible] — در [illegible] خاک [illegible] تند باد

در [illegible] آب و [illegible] آتش است

از [illegible] — [illegible] و تصور نشده

ترک [illegible] — [illegible] درد [illegible]

[illegible] است

سردار [illegible] — [illegible] نشسته است

[illegible] نشسته [illegible] است — [illegible] گاری [illegible] است

زنده است [illegible] زنده [illegible] است

[illegible] و [illegible] — [illegible] سکندری

هر کس [illegible] داوری — [illegible] سکندری

[illegible] است

[illegible]

جز واعظی که هست صحیح بمعنی رسیده — گسترده است سفره و انواع مائده

اما ز راه حیف تا شف [illegible] فائده — پیشش [illegible] فارغ است ز [illegible] قاعده

در ضیق [illegible] عسرت و فارغ [illegible]

در کنج [illegible] عزت و [illegible] ظاهری — جز [illegible] نقشی و [illegible] کاری

با مکر و کید و شعبده و سحر ساحری — [illegible] خلق [illegible] لطف ظاهری

[illegible] این چه وضع و [illegible] و چه گردش است

با طیلسان و خرقه و عمامه دراز — با لحن نرم و نازک و غنج و دلال و ناز

گاهی نهند چشم به [illegible] گه کند باز — یعنی شدم کاشف اسرار و حقه راز

گاهی [illegible] فرض [illegible] باشد است

گویا که [illegible] لوح و قلم آشنا شدم — از عرش [illegible] گذشتم و [illegible] شدم

زین [illegible] باطله [illegible] شدم — در بحر طمع [illegible] ناخدا شدم

[illegible] عزت [illegible] گردش است

[illegible] مقام [illegible] — لا [illegible] قدم [illegible]

[illegible] — [illegible]

مهر علیخان

درصورتیکه آقای رشیدی ناخوش و گرفتار نگاهداشت باشند هر وقت بشهر آمدند

به توسط وکیل آقای رشیدی هم در محضر شرع قرار بدهند کلیه ادعاهای عارض [illegible]

حکم تومان ۱۲۰ که هم در محضر نگاهداشت میرزا عبدالله از آقای رشیدی مطالبه شده

و به توسط نایب اصغر نزاع رسیدگی گردیده چون وکیل آقای رشیدی

عارض را تا یازده روز نگاهداشت کرده‌اند حقوق ایام را گرفته

از این باب متعرض نشوند

صحیح است … علیخان

۵۶/۷/۶

جناب [illegible] الاطباء آقای [illegible] باشی دام [illegible]

بعد از ظهر سه‌شنبه برادر مکرم عزیز آقای [illegible] از تبریز

مراجعت کرده از بابت [illegible] در [illegible] درست [illegible]

که نوشته بودند چندی با رعایای [illegible] جوان [illegible] قلعه

[illegible] گرده و [illegible] ورود [illegible] تشریف برده و [illegible]

برای آقای حسین [illegible] که انجمن نظار

بسته ابلاغ بود کرده است دیگر [illegible]

[illegible] که [illegible] خبر [illegible]

از جای دیگر [illegible] انجمن نظار

[illegible] برای [illegible]

بجهت [illegible] آقای حسین [illegible]

دخول العلق فی الحلق

یعنی درآمدن زلو در گلو علامتش انده و خروج خون رقیق از حلق است

رباعیه ای خون گلویت از زلو دلم عزیز چون آمده هردم از گلوی تو بدر

گر غرغره سازی آب خردل نمک عزیزی شوی ترا از آن نافع تر

صفت غرغره مذکوره خردل نکوفته ده مثقال در یک پیاله

آب جوشانند تا نیمه آید صاف کنند و پنج مثقال نمک

در آب آن حل کرده بگرم غرغره کنند

تدبیر نوم

چون ز خواب روز گردد ذهن صافی تیره رنگ　　دیگر آن آینه را مشکل توان دادن صفا

هر کرا اعدای جان باشد که در هنگام خواب　　روی ما آرد به بیداری تو سوی کما

از سعال و نزله در تشویش باشد روز و شب　　سر بسر اعضای او با درد [illegible]

هر که بیداری برد بسیار خواهد ساختن　　درد داغ خود در [illegible] افزا

[illegible]

جناب جلالتمآب اجل آقای سرتیپ تعلیقه مبارکه حضرتعالی رسید چنین متوجه بود

بر صحت وجود مبارک فرح و انبساط کامل رسید جهت داعی بار دیگر از او صاحب [illegible] معروض میدارم

اظهار فرموده بودید ابراهیم آقا کسی که هنوز حاضر نکرده اند و گفتگوی ابراهیم

بعد از مذاکرات بسیار باین قطع میکنند که حواله بجناب عالی بدهم و از [illegible]

اصرار و الحاح شد که باید نقد بدهم ممکن نشد و اهل کمیسیون اینطور میگویند

که سرتیپ حواله بر سر ابراهیم آقا آورده و نقد اینقدر ان باو نداده است

حق ندارد که بگوید حواله قبول نمیکنم و ابراهیم آقا هم میگوید حواله

رحیم آقا و یا علی آقای امیر اسعد و یا هر کسی دیگر باشد حواله در حال خواهم

داد چنین حضرتعالی در این حضور آیینه فرمودند که بسوای نقد راضی نباشم

لهذا مهلت از اهل کمیسیون گرفته تا که اطلاع بحضرتعالی

داده شود که بر طور رضایت دارند مرقوم فرمایند منتها نقد در میان

نیست [illegible] الله

[illegible]

شعبه امور عشایر
۲۲ حمل ۱۳۰۴
۱۶۸

آقای علی خان سرتیپ مالک آغجه ایوان

در تعقیب عرض حال شما راجع [illegible] اقرار نظامی محب‌الله مبلغ شش تومان
اخذ نموده اینک مبلغ مأخوذه از حقوق مشارالیه کسر و توسط
[illegible] بیان [illegible] آب ایصال گردد لازم است آخذ قبض
رسید داده و نتیجه لازم درباره نظامی مذکور معمول لازم
است شما نیز نسبت به عشایر و سایر کسان خودتان ابداً
قدغن نمائید که باعث سوء اخلاق نظامیان واقع نشوند

فرمانده قوای ساوجبلاغ
نایب سرهنگ
[illegible]

[illegible]

حضور محترم بندگان حضرت اکرم آقای حسین آقا دام اجلاله.

امروز شنبه ۲۵ شهر جاری جعبه [illegible] آدم [illegible] فرستاده [illegible]

جناب حضرت اکرم آقای [illegible] سفارش فرموده بودند که روزه [illegible]

دیگر خدا ببخشد برای خرید و فروش [illegible] رفته گفته [illegible] علیحده [illegible]

غیر از قرارداد [illegible] قرآن قیمه دارد آنهم کسیکه [illegible] نامه [illegible]

و جزو و جزوه [illegible] شعرا [illegible] فروشنده [illegible]

اما [illegible] که [illegible] جناب معظم له [illegible]

سفارش فرموده بودند که ابداً صلاح نیست به [illegible] بدهند

در اینصورت لازم دید بحضور محترم عرض نماید که رخصت [illegible]

دادن ورقه اجازه و غیره را خود اختیار نمائیم برای اینست که قیمه

زیاد باشد در صورتیکه کمتر هم قیمه داشته باشد چه فایده دارد

[illegible]

امیر الامراء ارابنطا با برادر یک از رعایای خرانی

دیشب چند نفر از اموال منهوبه خوشان هم از ده رالی در

آقچه ایران بین گرفته و شناخته‌اند اینک خود صاحبان

اموال را همراه میرزا فتح الله روانه داشته خواهشمندم آنچه را

بین بشناسند قدغن باشید تسلیم نمایند باعث

حصول کمال امتنان خواهد بود

[illegible]

للازم

منفعت الحکیم

هو الاسم الحکیم مقصود

خانم محترمه سلطنت قاسم

هیئت با ملاحظه نامه اظهار نمود در موضوع ادعای چهار صد لیره جهت پرونده [illegible]

دعوی خود نمائید از قرار تقریر سه صد لیره کارسازی داشته و یکصد لیره باقی مانده

گاه از روی غرض و پیچیدگی مطالبه چهار صد لیره می‌خواهد در این صورت

معلوم است ایشان عداوت را پیگذاشته و از روی حسابی مطالبه طلب خود نمود

سه صد را رزی [illegible] برطبق اظهار آنخانم در جنبه قبض [illegible] روی کرنشته او را

با [illegible] به سمت تصرف خود برده [illegible] معلوم است در صورت [illegible]

در باره ادعا [illegible] خودش تقدیم نمائید [illegible] مراتب لازمی نمود

رئیس [illegible] هیئت [illegible]

[illegible]

خانم محترمه سلطنت خانم

راجع بعارضه ۲ این است با آقای نامه اظهار کنم در موضوع ادعای چهار عدد لیره

خدمت بابا و سفروق دعوای مخصوص نباشد از قرار تقریر مشارالیها سه عدد لیره

کارسازی داشته یکعدد باقی مانده گویا مشارالیها از روی غرض و بهانه که ملاحظه کرده

چهار عدد لیره میخواهند در اینصورت لازم است این عداوت را کنار گذاشته

و از روی حق به مطالبه بنمایند وجه ادعای مخصوص را از مشارالیها دریافت دارند

بر طبق اظهار آقای نامه چهار رأسی که بغداد را با بچه‌هایش در مجلس قبلی گرفت

تصرف خود برده‌اند لازم است در صورت صحت که بغداد را با بچه‌هایش

به آقای نامه تسلیم نمایند که محتاج به اعزام نظامی نشود حسب الامر نظام کرمان

[illegible signature]

فدایت شوم

رقیمهٔ مانوس واصل، از صحت وجود مبارک خورسند گشتم. در موضوع رعایا مجدداً امر قوم فرموده

بودند، خودتان مطلع‌اند که تمام آقایان بیگزاده و چاردولی و افشاری دیگری همین مقرری را

دارند. در زمان مرحوم آقا عبدالرحیم بیک یکصد سال متجاوز است تا حال این مقرره

که عوض مثقفی پولی و ثمن پولی دو عشر بعضی چیزها و غیره است. بخلاف بعضی از آقایان

طایفه هفتصد سال است در زمان اسارت رعیت رعایای بنده از دو مهر پیچش

به یکنفر رعیت نکرده‌ام، چه شده حالا با این وضع آزادی رعیت بنده پیچش می‌نمایم

اگر در صورتی که رعیت لگان تپه‌های بددل مقاطعه معمولی نمی‌شدند می‌بود در پاییز

تخم نکشند نه ماه است از کردن تخم گذشته است و بوعده وصلی مانده است

دیگر دادن همین مقاطعه بواسطه تفاوت حلال و حرام است که بحمدالله معمول بنده است

و جناب آقا سید هم حالی کرده بعرض برسانند. مقرره عزیز هشت تومان و باقی

چهارده خروار گندم است با نظام مالیات و رسومات باید بدهند —

اکنون هم خدا میداند که گندم و یکشاهی پول از آنها اضافه نخواسته‌ام. مقرر فرموده‌اند

و اگر عرض بنده را تصدیق ندارند از تمام آقایان بیگزاده تحقیق فرمایند اگر معمولی ولایتی

نبوده بنده هم نمی‌خواهم. مقصود این است خاطر شریف مطمئن باشد که ابداً چیز بی‌اطلاع

نکرده‌ام. ایام اقبال مستدام باد

فدایت شوم از استماع قضیهٔ هائلهٔ جانسوز مرحومه مضطرب و متأثر شدم که قاصره

زبان از تحریر و زبان از تقریر الکن است و بمفاد آیهٔ کریمهٔ کل نفس ذائقة

الموت چاره گزیری نیست مغفوره علیها الرحمه فی الحقیقه

جهان جام و فلک ساقی اجل می خلایق باهم نوشند از پی وی

در حقیقه بجز رضا بقضا چاره فراهم نخواهد بود رابطه قومیت و اتحاد

و برادری و محبت طبیعی که در بین است از خفقان ما هر دو همدرد هستیم

و در نوبه تحمل کرده و از غم این مسئله هستم .. چون بلکه خفقان

شوق است در شرف نشده است لهذا با رسم تلغراف مخصوص خدمت

و معذرت دارم انشاالله در موقع تشرف ان ورز خدمت جواب

زیاده اصرار مژده سلامت و دلداری و امیدواری از آن ... را از خدا مسئلت

فدایت شوم از استماع قضیه هائله جانسوز مرحومه مغفوره مضطرب و آشفته شدم که قلم

در بیان از تحریر زبان از تقریر الکن است و بمضمون آیه کریمه کل نفس ذائقة

الموت چاره گزیری نیست خواجه علیه الرحمه فرموده

جهان جام و فلک ساقی اجل می خلائق باده نوش از محفل وی

در حقیقت بغیر رضا و تسلیم چاره فراهم نخواهد بود و رابطه دوستی و اتحاد

و برادری و محبت طبیعی که در بین است از تعزیت [illegible] اظهار [illegible] است

در درجه غم شریک و از عزا شریک هستم [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] لهذا با [illegible]

و معذرت دارم ان شاء الله در [illegible] خدمت [illegible]

زیاده [illegible] سلامت و [illegible] را از خدا [illegible]

۱۵۰۳

بتاریخ ۲ اسفند ماه

آقای عیسی خان مالک قریه [illegible]

سه عدد نامه در باب طلب [illegible] [illegible] [illegible] خودتان [illegible]

در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

طلب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] قریه جمع [illegible] آنچه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در [illegible]

[illegible] خودتان [illegible]

[illegible]

اگر بیضهٔ زاغ ظلمت سرشت   نهی زیر طاووس باغ بهشت

بهنگام آن بیضه پروردنش   ز انجیر جنت دهی ارزنش

دهی آبش از چشمهٔ سلسبیل   بران بیضه گر دم زند جبرئیل

شود عاقبت بیضهٔ زاغ زاغ

برد رنج بیهوده طاووس باغ

خری را اگر فرش از زر کنی   جلش را ز یاقوت احمر کنی

اگر جبرئیلش کند مهتری   همانست آئین و رسم خری

۱۳۴۶

۲۲۶۴

آقای میرزا رفیع خان دام اقباله

حسب الامر مبارک حکم صادره نمره ۸۹۹۸ لدی الورود [illegible] فوریت

سوار و تفنگچی [illegible] جمع آوری و مسلح حاضر و حرکت و در مرکز نظامی

بیست [illegible] محمود [illegible] با اسعدلو و [illegible] مستقر

بجانب سردشت [illegible] اعزام [illegible] درنگی [illegible] میرزا

[illegible] تاخیر [illegible]

تاخیر [illegible] مسامحه [illegible] شده [illegible] و مورد مواخذه خواهند [illegible]

[illegible]

[illegible]

ما در غم مصطفی و در غصهٔ آل [illegible]

و اندر دل [illegible]

صد شرف دارد [illegible]

از وجود [illegible]

[illegible]

[illegible]

عشق [illegible]

[illegible]

سنیم سنی ولیکن حب آل مصطفی
دین و ایمان من و [illegible]

شیعه و سنی نه‌ام من هم با هر که او
دوست با او دشمنم با آنکه او دارد دشمن

حب آل و [illegible] با نسب
ز رقیبان [illegible]

صورت

بنیچه تمام جای جفت قریه پوکان با بنیچه خرج آن بقرار صورت ذیل است

از تاریخ ۲۲ ذی حجه ۱۳۴۸

جای جفت کانی ناو

سلطان قاسم	علی ولد محمد رضا	علی کدخدا رسول	صوفی احمد محمد عبدالله
نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار
محمد الرضا	محمد الرضا	محمد الرضا	محمد الرضا
عزیز خاتون	زمین جای باغ	احمد ولد محمد حسن	خسرو ولد محمد حسن
نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار
محمد الرضا	محمد الرضا	محمد الرضا	محمد الرضا
صوفی محمد برلو عالیه	صالح خلف کدخدا ارکان	رسول بری نا زر	عبدالله محمد رحیم و محمد حسن
نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار	نه قران و سه ناپار
محمد الرضا	محمد الرضا	محمد الرضا	محمد الرضا

آنچه جای جفت کانی کوز ... از این قرار است

کریم فخری بیان هر جای جفت کانی کوز همه ده قران و سه قران

محمود ولد محمد رضا در کانی کوز
نه قران و سه ناپار
محمد الرضا

جای جفت کانی بنی آباد
نه قران و سه ناپار
محمد الرضا

جای جفت کانی محمد شریف
نه قران و سه ناپار
محمد الرضا

صورت

بنیچه نوار قریه بقرار ذیل است

کریم شریف | بابا سلیمان | شریف محمد | علی ادم کریم فخری خان | اسمعیل محمد امین نجار | مصطفی جوبان

یکان یکان شمر ابجد حروف حطی — چنانکه از کلمن عشر عشر تا سعفص

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ — ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹

پس انکه از قرشت تا ضظغ شمر صد صد — دل از حساب جمل شد تمام مستخلص

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰

س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰

ض	ظ	غ
۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

۱۸ جمادی الاول

۶ ۲ ۰ ۰

فدایت شوم

با [illegible] تصدق سرکار محترم زحمت میدهد — هرچند در ایام
[illegible] و تنگی با بی‌لطفی جناب‌های عالی نمی‌نمودم در زمینه عرض
[illegible] خاطر شریف شوم به [illegible] بی‌مهابا [illegible] فارغ
[illegible] خوبی [illegible] و همو قت [illegible] آثار [illegible] اگر کرد
[illegible] در ... [illegible] کرده [illegible] کنند [illegible] و جا با
[illegible] حق با جای [illegible] که [illegible] جناب‌های [illegible]
نیز در [illegible] که از [illegible] مقدار [illegible] دارد
[illegible] خبر [illegible] و [illegible] [illegible] اگر [illegible] باید
و [illegible] کردم [illegible] توقف کرده [illegible] از [illegible]
[illegible] میخواهم که [illegible] در [illegible] قوی و [illegible] انگلیسی
[illegible] شنیده [illegible] [illegible] [illegible] انشاءالله [illegible]
[illegible] ممکن خاطر شریف [illegible] نکته را

[illegible]

خدمت جناب جلالتمآب آقای فتح‌الله خان دام اقباله

در ضمن استعلام از سلامت وجود و استقامت مزاج شریف امتزاج عالی و تشییدِ مراسم ارادت با کمال

توقیر زحمت افزا است بجهت تعیین حدود قریهٔ بین قلرو و چوکانلو و رفع اختلافات حاصله

مابین جناب جلالتمآب آقای مصباح الایاله و جناب [illegible] و جناب نقیب الاشراف بندگان

جناب جلالتمآب اجل اکرم سرکار قونسول [illegible] تحریر منفصله الذیل را مصدق قرار

داده اند و این ضعیفه از طرف قونسولگری مأمور فرموده اند از جناب مصباح الایاله

جناب میرزا ابوالحسن خان جناب علی بیک جناب سلطان [illegible] بیک سعید سلطان آقا [illegible] بیک

رجب [illegible] امروز تعیین فرموده اند که روز چهارشنبه حضرات آقایان در ملک متنازع فیه حضور بهم رسانند

این بنده هم روز سه شنبه از اینجا عازم هستم انشاءالله به تصدیق آنان قرار تعیین حدود هم به موجبات [illegible]

که طرفین فراهم آید عهده خاطر شریف را از کیفیت مسئله مستحضر و هم خواهشمندم روز چهارشنبه

هم در اراضی متنازع فیه بین قلرو و چوکانلو حاضر باشند احترامات و فقط [illegible] مقصود قضیه مذکوره

انجام قرار [illegible] تصدیق [illegible] و موقع اجرا بگذارد اگر جنابعالی در محل تشریف داشته باشند

هر چه قرار که شده تصدیق خواهد شد [illegible] عدم [illegible] مسموع نمی‌گردد

[illegible] ۱۳۰۶ [illegible] علی تقی [illegible]

دواتهم

[illegible] تعالی وجود مسعود و فعالی از هر گونه ملال [illegible]

[illegible] بحمدالله مدتی حاصل [illegible]

نکشید و برادرش خیال دارند اینجا [illegible]

چون طرفین مغایرتی ندارد [illegible]

خواهشمندم اینکه نفر شد بهار استمالت [illegible] که در جای

خویشان سکونت نمایند در باب اموال آنها هرچه هست بدون

[illegible] مرخص فرمایید [illegible]

الان که تعالی وجود مسعود و فعالی از هر گونه ملال است از شخص درخواست فرمایید

بحمدالله مدتی حاصل است زحمت دیگر نکشید و برادرش خیال دارند اینجا جابجا شوند چون طرفین هم مغایرتی

ندارد این است همین مختصر را زحمت داده خواهشمندم اینکه نفر شد بهار استمالت کرده در جای

خویشان سکونت نمایند در باب اموال آنها هرچه هست بدون تفاوت مرخص فرمایید که اینها

زیاده از این مزده سر مستر اعظم

خدمت جناب جلالتمآب عالی آقای علیخان رئیس دام اقباله

درضمن استعلام از سلامت و استقامت مزاج شریف امزاج عالی و تبلیغ مراسم ارادت با کمال
توقیر زحمت فزا است که چون تعیین حدود قریتین قولر و چولکانلو و رفع اختلاف حاصله
مابین جناب جلالت آقای مصباح الدوله و جنابعالی و جناب نقیب الاشراف بندگان
جناب جلالتمآب اجل اکرم سرکار قونسول انگلیس محرمین مفصلة الذیل را ارجاع
قرار داده‌اند و نایب را از طرف قونسولگری مأمور فرمودند جناب مصباح الدوله را
~~جناب میرزا ابراهیم‌خان جناب شیخ بیک ... جناب سلطان بابا آقا بابک~~
برحسب الحکم امروز مقرر داشته‌اند با بر روز چهارشنبه حضرات آقایان در محل ملاحظه
حضور بهم رسانند این بنده هم روز سه شنبه از اینجا عازم میشوم تا رفته برای تحقیق
ابتدای قرار تعیین حدود ملاحظه نموده مرجعات آورده که طرفین فراهم آید علیهذا
خاطر شریف را از کیفیت مسئله مستحضر داشتم خواهشمندم روز ۴ شنبه جنابعالی هم در سر
اراضی متنازع فیه مابین قولر و چولکانلو حاضر باشید با اسناد و قباله مصدقه
مذکوره هر چه قرار داده‌اند بموقع اجری بگذارم اگر خدانخواسته جنابعالی در محل تشریف نداشته باشید
هر چه قرار گذاشته شد تصدیق خواهد شد آنوقت عدم رضایت جنابعالی

[illegible]



قشون دولت علیهٔ ایران

لشکر شمال غرب

دایره ....

شعبه ....

نمره ۱۵۲

مورخه ۷ ثور ماه ۱۳۰۴

ضمیمه ....

[illegible]

[illegible] شکاک و [illegible] از کشت و زرع اراضی که در حدود [illegible]

[illegible] واقع است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] با احترامات فائقه [illegible]

[illegible]

قرین شوم دیمکله مبارک که دائما فتح ابواب مسرت بیورلمش معا
ازیکله ادکلی بو سرایدمی ماءلوف جهت مینه هنه هر حبه حقیقته القیه کاهی ننهایه
نتایج خیرخواهانه بیوبه لکن هرکاه اقلیم فرا ملاحظه‌لایم قرانه

غره صفر الخیر

۰۰۵۱

مقام محترم بندگان اجل آقای ریاست وزارت جلیله عدلیه دام اجلاله

این بنده محمد حسین ساکن گنه دار محال لاهیجان هر چند یوم قبل
دو راس یابوی بارکش مال خود را از گندم بار کرده که با آسیاب بروم مشغول
کاری بودم که نزدیک قریه دربکه مأمورین خانه غفلتاً بدون
بدون هیچ دلیل یابوها را با بار گندم از بنده گرفتند ..
اولاد این بنده بی نوا و کاسب واقع و عقب اهالی لاهیجان
که مدت به بنده دارد تصدیق میکنند هر غیر کسب در ولایات نخواهم
ابداً هیچ مخالف وضع نشده و نخواهم شد .. از آنجائیکه بواسطه
اداره آنچه محترم در نقطه وزارت جلیله ابداً ظلم و تعدی نکی وارد نخواهد
استدعا دارم در این دوره عدالت گذارید که بنده را اینطور غارت
بندگان و بدون هیچ مخالف مورد ظلم قرار دهند خدا عالم است

ای تهی دست رفته در بازار ترسمت پر نیا[illegible]

عصمت مآب فاطمه خانم آقا [illegible]

این نوشتم تا بماند یادگار

من نمانم خط بماند روزگار

خاتون معروف [illegible]

[illegible]

باجارهٔ صحیحهٔ شرعیه منشی برای اصحاب وقفی قبول نمودند

یکشب آب قریه [illegible] تمامی حاصل و منفعت سه دانگ از آب مال

جناب [illegible] شیخ [illegible] دام برکاته در عوض و مقابل

مبلغ سیزده تومان [illegible] از تاریخ تحریر الی مدت سه ماه و

چهار روز حاصل سه دانگ آب [illegible] [illegible] و [illegible]

الی اتمام سه ماه و چهار روزه و وعدهٔ اجاره [illegible]

پرداخت [illegible] سند [illegible] اجاره نامه [illegible]

تحریراً فی ۶ شهر رجب [illegible] ۱۳۴۸

محمد [illegible]

[illegible]

۳ ب ماه ۱۳۰۶ زکار بسته شد [illegible]

در چشمه چوک [illegible] در زنان [illegible]

[illegible] ع ف ن

در نتیجه نام رعیت که سه نفر در اراک شکایت

کرده‌اند بوصیت لبن نوشته فوراً عجاله را

روانه تهران قلعه اکبر رسید که نمود

عجاله و احمد

امروز ۴ بهمن نوروز خان نفع

آقای بر حسب متن دستگاه صادره قوای نظمیه منطقه ف و دهات

شهر را [illegible] خواسته‌اند اگر [illegible] نوروز خان باید

بهر عین [illegible] را فرمایید از تهران [illegible] و [illegible]

فرمایید آمد

ویران شدن ملک ایران

ارزان

پرهیزکاری

محض حفظ شرف و رعایت رسم و آداب انسانیت باید همواره از اعمال قبیحه

و افعال شنیعه پرهیزکاری نمود و بکلی اجتناب بجوییم و دامن عصمت مهور را

با لوث و کثافات بعضی کارهای ناشایسته از برای تفریح ناهنجار محدود لکه

آلوده نسازیم زیرا معاصی هم در آن تفریحی ام مقصود گوییم باشد و مناهی

و مناهی هم در آن دخیل و انتفاعی هم منظور گردد تا پایدار است لکن بلکه

آن ها دائم الدهر در روی آن لکه ها ثابت و برقرار خواهد ماند

ایضاً یکربع و نیم   یک ربع و نیم نیم یکربع و نیم

محض حفظ شرف و رعایت رسم آداب انسانیت ما باید همواره از عمل قبیح

و فعل شنیعه پرهیزکاری نمائیم و نتایج آفتاب بکاریم و از عصمت خود آلوده

کثافات بعضی کارهای ناشایسته از برای تفریح ناهنجار چند دقیقه آلوده نکنیم

زیرا معاصی که در آن تفریحی هم متصور شود باشد و نتایجی هم در آن ذوق و

انتفاعی هم منظور گردد نابود است لکن لکه آن ما دام الدهر در روح ما باقی

و برقرار خواهد بود

صدر

بذر فانی سال یونت ئیل ۱۳۴۹ ه در مزرعه کارنامه تحریر نقش کاشته ام

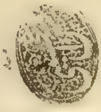
از قرار صورت ذیل است

ایضاً

از روز ۱۸ شهریور تا امروز ۴ مهر ماه است تمام

تمرین املای انشائات را گرفته کنیم









ما و اعیان و بندگان که حاشیه ورقه را مُهر کرده ایم شاهدیم و شهادت میدهیم

بر اینکه بنده آقا حضرت جوهر قادر آقای دهبوکری در تاریخ سنه ۱۳۹۷ بدون نزاع

و مخاصمت سادات و املاک را غارت و تاراج یک گله گوسفند

را و مبلغ و مبلغ ده لیره از سادات مشار الیهم ظلماً و تعدیاً من غیر حق

بقوه جبریه جمیع مال مذکوره اخذ و تصرف نمود علیهذا استشهاد اهالی

مسئله بر جمیع اعیان و خاص و عام ولایت مکری معلوم است حتی دارد

به لو این ظلم ناحق بر حضور حضرت سید السادات العظام جناب مستطاب

مولانا سید عبد القادر روحنا فداه مستدعیم از مستطاب از همه کس معلوم

تر است احقاق حق این سادات و دادخواهی و استرداد مال منهوبه و دیه

وسیلت بنده آقا بر عهده شاهان و سلطان جهت رفع ظلم و انتقام مظلوم

از ظالم واجب و مستحسن است این چند کلمه جهت شهادت نامچه

و دادرسی سادات مشار الیهم نوشته شد

موجب تحریر اینکه آقای سید بهاءالدین مرتضوی ساکن قریه اندرزه چهار راس گاو میش جوان (هلیوره)

و یکراس ماده گاو جوان از مال مختص خویش – و آقایان عبدالله دارنده شناسنامه شماره ۸ صادره اندرزه و محمد

دارنده شناسنامه شماره ۹ صادره اندرزه – یکراس گاو میش پیر با بچه اش (یلدغ ماده) و یکراس ماده گاو و یک گوساله ماده از مال خاص خودشان

در مقابل یکدیگر قرار داده و با اسم شوالکاره در نزد عبدالله و محمد همراه بچه ها و صیغه ایجاب و قبول بین طرفین جاری گردید

و شرائط ذیل بین قطعی و حتمی الاجرا است – شرط اول از تاریخ امروز دهم محرم الحرام ماه هزار و سیصد و سی و سه شمسی تا تمام

شش سال کامل کلیه گاو میش ها و ماده گاوها و یلدغ و گوساله ها جمعا شش راس هستند با زاینده ها و بچه ها و نتایج

که در مدت فوق از آنها بعمل میآید در تمام مدت شش ساله در نزد عبدالله و محمد بوده و از حیث اطلاق کاه و علف

و لوازم و مخارج و حق چوپان و غیره بعهده عبدالله و محمد مقرر گردیده و ایشان هم شرعاً و قانوناً متعهد شدند طبق قرارداد

این سند در کمال صداقت و امانت نگهداری و مراقبت و مواظبت و اهتمام نمایند – شرط دوم آن است در بین مالک

هر یک از مالهای فوق که زاینده و یا شیر بدهد تا آخر شیر دادن آنها محصول روغن نصف مال سید بهاءالدین مرتضوی

و نصف دیگر مال عبدالله و محمد میباشد – شرط سوم آن است در هر موقعی که بخواهند یکی از پیر شده مالهای

فوق و یا نر آنها فروخته و بدل آن مال جوان و خوب و بهتر معاوضه نمایند باید با رضایت و صلاح

طرفین باشد – و آن بوده بعد از اتمام و انقضای مدت شش سال دیگر کلیه مالهای فوق و نتایج و بچه ها

و زاینده های آنها هر چه باشد به دو قسمت متساوی بین تقسیم نموده یک قسمت آن مال سید بهاءالدین مرتضوی

و یک قسمت دیگر مال عبدالله و محمد میباشد تحریراً فی دهم محرم الحرام ماه – ۱۳۳۳ شمسی

قربان وجود مبارکت شوم

امیدوارم انشاءالله مزاج شریفت امتزاج اصلی را که حالی در نهایت سلامت و سعادت
خواهد بود و این ایام نوروز بر وجود مبارکت فرخنده و فیروز میباشد

بر لعبتان صبح و بهار نوروز — بکام دوستان و بخت فیروز
مبارک باد بر اهل زمانه سال — همایون باد بر فرزندان همه روز

اگرچه لازم بود بجهت تبریک این ایام شریف حضوراً شرفیاب شده و ادای وظیفه را
قیام نمایم چون در این موقع جناب آقای میرزا رحیم صفای در اینجا تشریف داشت
ممکن و مقدور نگردید لهذا به تقدیم این مختصر تصدیع زحمت داده در خاتمه
فرصت غنیمت دانسته ارادت خود را تجدید مینمایم

[illegible signature]

حضرت سعادت جناب سیادت و ... العظام آقای سید [illegible] الدین سلمه الله تعالی

استدعا است همواره اوقات را با صحت و عافیت و سعادت [illegible] بسیار مبارک

مصروف فرمائید — باری امسال [illegible] اوقات

حالیه ایام را مغتنم و عازم تغییر مکانم هرگاه تصویب فرمائید

از قرار ییلاقات مکان و همت یکی تعیین فرموده باشند

ارباب خلوت‌ها را استخراج نموده در صورتی که طالب باشند

با فلانه یکنفر از آقایان محضر آنجا [illegible] هم وارد [illegible] مصاحبت

جناب آقا ملا محظوظ باشیم محتاج تفصیل نیست [illegible]

وکالت نامه را در [illegible] مخلص (خالد)

فدایت شوم

رقیمه کریمه واصل و از استبشار صحت وجود محترم خرسند شدم

از اینکه مختصر نقاهتی حاصل است انشاءالله تا بحال بکلی رفع گردیده

و نگهداری روی ندارد —

بابت خانم اسمعیل خضر خان به بی اظهار فرموده اند اینک ...

نوشته و خواستم که فوراً خانم شان را الیه ...

حضور محترم آقایان عظام عرض و تصدیع میدهد

میرزا الحسن وکیل ... تقریباً چهارده روز قبل از ما و جعبه چهار صد و ... کرده

فرار نموده است عدم است وکیل مزبور بدین قرارات قد متوسط گندم گون آنکه روی

سن قریب سی و پنج ساله طهرانی ... با این علائم که مرقوم شد

بعموم رعایای حقوق فرداً فرد ... در هر کجا و در هر لباسی و در هر محل شاهده

و دستگیر نمایند بدون حالت ... در شهر حاضر دارند به ... ان

مبلغ ... تومان انعام خواهم داد چنانچه بعداً معلوم شود از هر حدود دیگر عبور نموده

دستگیر کرده باشند ... قریه ... خواهان

قربانت شوم — مألوف

دستخط مبارک که واقعاً مفتّح ابواب مسرّت بود زیارت نمودم از اینکه [illegible] بوطن

حرکت فرمودند هر چند جهت آن قضیه که اهالی منتج نتایج خیر خواهد بود لیکن هرگاه انظار فرا [illegible]

فرمایند [illegible] این کوچ و بار زیور جاکرا در بوته حزن و اندوه [illegible]

و شکوفه‌های امید هر دم بقای [illegible] سیراب و شاداب بود تا گاه به یک

هجوم طوفان [illegible] مبدّل گردید (رفت از بر ما آنکه مرا مونس جان بود

دیگر بچه امید در شهر تهران بود) باری هر چند از [illegible] تحریر [illegible] عرض نمایم

کتاب مفصّل خواهد شد ان شاء الله این رجعت که به مسکن معهود فرموده‌اند

بر وجود مسعودتان فرخنده و مبارک خواهد بود همواره [illegible] سلامتی را طالبم

[illegible]

فراست ششم مراسله مصحوبه بحر بسیط وصفی از شدت قدرت خود نوشته‌ام

اینکه مرقوم فرموده‌اید ابراهیم و کیخسرو مایل شده‌اند خانه بخود سازند علاقه بسیار

بیاورند، رعیت آزاد و مختار نفس است و کسی را مجبور نمی‌توان

در کسی نمی‌توان نمود و اینجانب علاقجات سرکار را در حکم درخت

حکم واحد و عدد تفاوت میدانم

صورت [illegible] که از سال [illegible] آورده از مخارجی صورت [illegible]

جهت قرض جهت [illegible] جهت روی بستر جهت [illegible] جهت [illegible]

۴۲ [illegible] ۲۳ [illegible] ۴۹ [illegible]

بابت [illegible] ... فرد اعلی جهت قبا و [illegible]

از میرزا [illegible] گرفته [illegible] میرزا هاشم [illegible]

فرد صد و اعلی

بابت قیمه هزار و صد و [illegible] و [illegible]

از میرزا اغنی دریافت نموده ۳۲ سی و [illegible]

[illegible] از عصبی و [illegible]

شکم [illegible] از لقمه‌های حرام

اعتصام عقل

حق

قبله بنده مدتیست که از فیض ادراک سعادت خاکبوسی آن آستان

فیض نشان مایوس خاصی گشته شب و روز آغوش آرزو خمیازه کش تمنای

زیارت آن سده سنیه و لب نیازمندی حسرت کش تبسم آن عطیه

عالیه است لیکن کثرت الهم که معاصی

ایضاً چینه حلاجی شاخ جبهه ذ[illegible] همه در قبضه لعک در بند ل و تقبضه خنجر دبال

یکموط

بیت در قرن

قاضی و مفتی که در بینی وعظ اشاره زن امروز قاضی مطرب و ساقی محتسب مفتقد

۳۴/۶/۱۸

خواهر محترمه عزیزم فاطمه سلطان

ان شاء الله در نهایت صحت خواهید بود کاغذی که بجناب آقا سید علی نوشته ام تماما ملاحظه فرمائید

و از قول اینجانب والده [illegible] ام خانم فاطمه را تاکید و خواهرم سیده زلیخه معصومه را

اطمینان دهید که حضرت آقای امام خمینی دام ظله با نهایت درجه محترم و [illegible]

با او مهربانی خواهد بود و اینجانب هم نیابت و عصمت و حیا و کفالت

خواهرم سیده زلیخه معصومه را [illegible] تصدیق و بهمین شخص محترم شایسته میدانم

تمنا اینکه ان شاء الله روا دارید [illegible] قول مرا قبول فرمائید و بهیچوجه بهانه و معذرت

از همکاری تسلیم نشوید و خط آقا سید علی جواب کافی [illegible]

در صحبت آقا سید [illegible] ان شاء الله در عرض مدت ده روز با [illegible] شرائط [illegible]

ولی فقط شأن طرفین عمل را [illegible] میدهم زیاده زحمت [illegible].

خواهرم [illegible] ام کلثوم را سلام رسانید

[illegible]

قربان حضور مبارکت شوم

راجع بمسئله آقا سید [illegible] آقایان محترم کمیسیون که عبارت از آقای سالار اعظم و سلطان محمد [illegible]

و آقای حاجی میرزا مصطفی و آقای حاجی میرزا باقر و آقای میرزا رحمت بنده را مجبور کرده‌اند که

عملی را با صلح بگذرانم .. بنده نسبت بفوریت که کلمه در حضرت بندگان آقای سالار سعید

دیگر خطاب با آقایان کمیسیون یک خطاب بنفر [illegible] محترم قوای [illegible] مرقوم فرمائید

که عملی آقا سید [illegible] و خانه معظمه رجوع بمحضر شرع فرمایند با صلح ممکن نیست

... و محمد تقی صاحب تقصیر با یکنفر دیگر امروز وارد شدند در محضر [illegible] عارض

از بابت فرش و [illegible] محمد تقی [illegible] که در [illegible] ایوان حضور آقای

فراش باشی مطالبه سماور و غارت نمود [illegible] عرض شد منتظر جواب فوری

[illegible]

بندگان حضرت اجل اکرم آقای [illegible] قاجار [illegible] عباسی ولد [illegible]

در ذمه و رقبه عبدالله مصری ساکن قریه کاشان علیه [illegible]

[illegible]

مقدار [illegible] تحصیل [illegible]

آنی برائه در انقضای مدت نه ماه مقدار مزبوره را [illegible]

سند سپرده مذکور را دریافت دارد تحریراً فی ۲۲ شهر جمادی الاخری ۱۳۴۰

عبدالله [illegible]

۲۴۲۶

خدمت جناب جلالتمآب آقای [illegible] خان دام اقباله

مرقومه شریفه جواب [illegible] از اینکه عده کالسکه اداره [illegible]

همگی در یکی دو روز راه [illegible] حاضر شده و حکم [illegible] را

بمستوفی اجرا گذار [illegible] عده لازم نیست از قرار

معلوم در اداره [illegible] دارند و یا خواهند کرد

با نیم دقیقه راه نیست [illegible] یا امشب و یا صبح زود

حاضر نمی‌گردید یا سه‌شنبه حکم را بمستوفی اجرا گذار است که

خواهش جناب [illegible] باز متعذر بعذر [illegible]

نشوید بر [illegible] [illegible] مجلل

[illegible]

ما بندگان در حاشیه ورقه را مهر دادیم [illegible]

اطلاع داریم و شهادت میدهیم که [illegible]

ثمن خانه مرحوم حاجی شیخ نجم الدین

و خانه سید طه [illegible]

تسلیم سید محمد پسر خود [illegible]

و [illegible] او است [illegible]

[illegible]

جهت شهادت [illegible] کردیم

این بنده که محمد قاسم نظامی سوار فوج بادزیر هستم

بابت بعضی اشیاء کفش نام یکی صورت تیپ که در بیابان خروج

نقش زده و بطور عاجزی در کیش در کانه قلعه در قانه جای مهد جباکی

گذارده بود در بابت مهر به کفش لشکر مهم جای که در این باب

لیکن بمقام مذاکره بر آید ظاهر و معلوم و مخفی اشتباه است

رضایت نامه کفش را گرفته بدفتر فوج تحویل هم

۱۲ صفر ۱۳۲۹

از جانب شهد بیقی ... صحیح است

برادر عزیز مهربانم میرزا ع[illegible] ان شاءالله مزاج با سعادت همیشه [illegible] بوده باشد

مقدار پنج خروار گندم هم در جلو خانه آن برادر توی چاه ریخته‌ام تا کی [illegible]

مشتری نخواهد که بفروش برسانم تا امروز ۱۹ شهر جاری که برادری

میرزا قادر در قریه سراب چند نفر مشتری را آورده گندم را خرواری از قرار

سی و هشت تومان با [illegible] فروختم لهذا به آن برادر عزیز زحمت می‌دهم

فردا که سرایدارها آمدند گندم‌ها را از چاه بیرون آورده به [illegible]

لاکی تمام نخود دار را با آن [illegible] [illegible] را در اینجا [illegible]

نوشته‌ام البته آن برادر بدرستی [illegible] [illegible] خواهد [illegible] زحمت [illegible]

[illegible]

نمره ۲۹ صیام
۱۳۴۹

مقام محترم بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف آقای سالار معظم دام عظمته

دستخط مبارک مورخه ۲۲ صیام نمره ۲۴۷۰ صادر از برابر لطف

آقازاده‌ها نهایت تشکر و سپاسداری فوق العاده عرض

فرمودند آقازاده‌ها در ضمن به مسند عزت و ترقی پاینده و برقرار

بجهت شرفیابی بنده و دیدن دیگر [illegible] شد قرار فرمودند عصر الامر

شنبه امروز و فردا مشغول تهیه و [illegible] باشند انشاءالله روز پنجشنبه

بامر شرف اندوز حضور محترم [illegible] در خاتمه فرصت

غنیمت شمرده ارادت و بندگی حضور مبارک تجدید می‌نماید

[illegible]

۱۱۱
۲۶۴

جناب جلالتمآب نور چشم عزیز صارم الدیوان زید اقباله

مراسله شریفه واصل و از بشارت صحت وجود ذیجود باندازه مسرور شدم که ما فوق آن

متصور نخواهد بود از اینکه اظهار فرموده بودید که آقای دکتر سلیمان از طهران

مراجعت نموده نهایت بهجت و مسرت کردید . . . زیرا که چندی روز است

جناب آقای سیف الله مفتش ناحیه عشایری در سبزواری

میباشند البته الان در این چهار روزه دکتر سلمان با سبا ها و سایر لوازمات

با خود از طهران آورده که بطالب جناب میرزا علی متعسر کرد در اول ۵۱

مرقومی اداره مالیه حکم در فرمان ماه بطرف ... آنجا

آن نواحی تفتیش خواهد نمود معهذا از آوردن حکم های

اصلاً نخواهد ورزید زیرا که آنها هم نمی‌آید ... منتظر

جناب جلالتمآب ... آقای حسین آقای عباسی دام اقباله

از دو نسخه ورقه ... کریم فخر ... [illegible]

[illegible]

مراتب مسطوره ... صحیح است

الان که اراده عقد المطالبه ... [illegible]

دریافت ... تحریر فی ۲۲ شهر رمضان المبارک ۱۳۴۹

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

١ بنام پادشاه فرد اعظم (١) کریم و خالق و دانا و اعلم

٢ بنام آنکه عالم آفریده (٢) محمد از خلایق برگزیده

٣ رسولش مصطفی آن سرور دین (٣) امام و رهنما آن رهبر دین

زیار جان او صد آفرین باد

برادرانش یکایک اجمعین باد

خصوصاً چار یار پاک گوهر (٤) ابوبکر و عمر و عثمان و حیدر

٦ همان عثمان که جمع آورد قرآن (٥) علی دین نبی را داد سامان

٧ بگویم قصهٔ بس خوب و در خور (؟) که شیرین تر بود از شهد و شکر

شنیدستم که ابراهیم یک روز

نشسته بود اندر خانه دلسوز

بخواب اندر چنین صورت بدیدش (٦) آواز فصیح از وی شنیدش

بدو گفت ای رسول پاک (؟) تحیت ها از حق بر تو بسیار

خداوندت همی گوید که برخیز (٧) هر آنچه گویمت برجای خیز و مگریز

تو اسماعیل را فردا بر وان

بکن قربان حق ... بیاور

اسماعیل ...

بکن قربان

۱۱ بکن فرمان ز بهر خالق خویش (۱) مترس و دل قوی دار و میندیش

۱۲ چه فرمان حق بر جا نیاری (۲) همیخواهی که یابی رستگاری

۱۵ [illegible] بر خیز [illegible] (۳) سر اندر طاعت راه خدا کن

۱۶ برآمد آفتاب از برج [illegible]

شد ابراهیم آنکه سوی هاجر [illegible]

۱۷ بهانه گفت اسماعیل برگیر (۴) چنین فرموده ما را رب تقدیر

۱۸ سر [illegible] کن [illegible] فیروز (۵) مرصع کن به در و لعل خوشاب

۱۹ یکی پاکیزه [illegible] بپوشش کن (۶) قصب دستار مصری در برش کن

۲۰ ببر زود دستش [illegible] پدر

برو گشت [illegible] دیگر این کار [illegible]

۲۱ مرا با دل یکی امروز کار است (۷) عزیزی بهر او در انتظار است

۲۲ بهر دم چشم او در پیش [illegible] (۸) به نزد باب آور [illegible] پیدایش

۲۴ پدر بسته نهان شیخ بندی (۹) که تا او را کشد چون گوسفندی

۲۵ بر نشسته [illegible] شهر بیرون

با گر پادشاهی [illegible]

[illegible]

۱۵/۱۰/۲۰

فدایت شوم

همواره استقامت مزاج شریف را خواستارم. وسیله زحمت اینکه
این روزها بواسطه برودت هوا شخصاً نتوانسته شهر آمده مطالبات را
حضوراً عرض نمایم. این است نوید عزیز را روانه مخصوص آنچه لازم است
سفارش مخصوص عرض خواهد کرد. چون ایشان قبلاً خواهانم هم
با جنابعالی طرف حساب بوده و معامله‌ام با جنابعالی مخصوص باشد
خواهشمندم آقایان دیگر که فوق‌العاده از حسابات جنابعالی
اظهار ممنونیت را مخصوص‌اند. — مسعود امیرعشایری

انشاءالله به جناب نجم نوید عزیز را سفارش مخصوص
بنده از حساب ایشان را جنابعالی خواهانم
مسعود امیرعشایری

قربانت شوم

باحترامات فائقه و تقدیم عرض ارادت و صمیمیت و فداکاری و معذرت از تقصیر
خدمت و عدم شرفیابی مصدع است ... امیدوارم همه وقت در نهایت ترقی
و صحت و سعادت روزگار را مصروف فرمایید اگرچه حضوراً به مبارکی نزول
اقدام و بادای وظیفه قیام ننموده‌ام لیکن شب و روز نسبت به آن آستان مکرم
به ترنم این دو فرد ناطق و بیاد آن ذات عالی شادمان بوده‌ام
یارب هلال عافیت ارزانیم باد اقبال وصال و شرف مستدام باد
سال همت مبارک و روز و شب خجسته بخت بلند و گردش گیتی بکام باد
رابطه استحکام یگانگی و همراهی [illegible] و وفور ارادت و فداکاری
که بحضور محترم دارم مسلم است از عدم شرفیابی حقیر گله نخواهند فرمود و تنها کدورت
شعفه حقیر را اگر سوال فرمایند بنظر مبارک معلوم خواهد بود .....
انشاءالله چند روز دیگر شرفیاب از حضور خواهم شد و جناب [illegible] آقا

که در حضور مهر ظهور [illegible] انشاءالله نظر باهتمامات آن آستان مکرم روز بروز در ترقی بوده و خواهد بود [illegible] آرزو دارم [illegible] الله هم که
از اهتمامات که دارد [illegible] هم [illegible] وضع امروزه [illegible] ... بهر حال قربان [illegible]

روز اول که بشهر آمدم چند روز در تعطیلی گذرانیدم بعد به مدرسه سعادت رفتم تا کلاس [illegible]

ششماه در آنجا تحصیل نمودم بعنوان منشی گری ام نه ماه در اداره مالیه کار کردم

حالا که مدتیست به طهران رفته در مدرسه صاحب منصبی در تحصیل است اگر [illegible] روزنه

در خصوص در شهر بودم کاغذی را به توسط ایشان فرستادم بعد از یکماه دیگر

از تحصیل مدرسه فارغ و امتحان [illegible] خواهم نمود حول بخانه

بجهت مخبر و چگونگی اوضاع الان وضع منتظر بوده همین مختصر را شرح

کیفیت احوال شما را نوشته و انتظار نمودم زیاده سعادتی را طالبم

قاطمه ج ۲۲ [illegible]

قربانت شوم

با تقدیم مراتب ارادت و تصدیع خاطر شریف زحمت میدهم امیدوارم

که دائماً سربلند و عزت مستدام باشند احوال مخلص در غربت بفضل خدا

بحمدالله بد نیست .. بابت [illegible] پولی را در جوف

جناب سید [illegible] محمد آقا شیخ فرستادم امیدوارم آن را

جنابعالی هم قبول زحمت فرموده بطوریکه مطلب را به آن جانب [illegible]

سعادت [illegible] فرمائید باعث مزید مرحمت خواهد بود ..

نور چشمی کاظم را دست بوسم در خدمت جناب آقای آقا میرزا [illegible]

عرض سلام دارم و سلامتی آن را از خدا خواهانم زیاده زحمت نمیدهم

[illegible]

حضرت ذی‌السعادت جناب مستطاب بی‌مهر و وفا شیرازی

از گلستان سعدی

آقای شیخ بابا الحق دام جلاله العالی رقیمه محترمه زیارت.

این چهار بیت بخاطر آمد بتحریر درآورده ملاحظه فرمائید

دارم دلی و یاری از جور یش چه نالم   گر کم بدام آید از جا رهاند جانم

اسرار عاشقان را از بلبلان بگوئید   تا پرده برگ گل را سازد عیان نهانم

از جوهری بپرسید احوال جوهری را   گر گوهری نظامی از گوهر زبانم

بر توسن فصاحت گوئی امام جهانی   در عرصه بلاغت شیرخوار می زبانم

برادر جان حضرتعالی حیف است بی‌مهر و کبست نسبت آدم با این همه اظهار

موقع انسانیت و حقوق را از دست نداده عموم دعاگوی

حال و حوش داعی حقیر را ترک نمرکه نفرمایید برای حضرت

خودتان طرف بی اعتنائی را گرفته هیچ اظهار لطفی

نفرموده بهر صورت الآن آقای امام تشریف و عید سعید را

قمری ۱۳۵۱ شمسی ۱۳۱۱

از آقایان فروشنده تقاویم مستدعی است حامل این ورقه که خدمت آمد

یک جلد تقویم پنجپین ایرانی سال ۱۳۱۱ را به او مرحمت فرموده قیمت را

دریافت نفرمایید باعث ممنونی خواهد بود حامل این ورقه

بی سواد و اقبال است از انجمن زحمت کشان

تا مرا دم و سر است پیر یار است دوستی تو و تو یار است

حضور محترم آقای سید علی‌حسن نوری دام سلامته

با تقدیم عرض ارادت زحمت میدهد الحمدلله الکل سلامت هستیم

دیروز با آقای سید جابر در مرکز خانه بودیم الحمدلله سلامت هستند

و مبلغ بیست تومان را به ایشان دادم اگر اینجا در تهران باشید تقدیم

به توسط مخصوص ذکر کنید که ماشین در باقی است

و نوروز ... ماشین ... تحویل

از ... ————.

خواهشمندم ... فوراً ... قاسم رفته معلوم ...

... که در توسط ... فرستاده‌ام

آیا رسیده یا نرسیده است

کی اطلاع دارید هر چند که برای دیدن فرزندان بودم دور گرفته دیگر و ... آن

... را از بنده گرفت جای خانبابا و صفر قاسم سلامت هستند فرزند بنده ...

سلامت خواهرانم را که ... نوشته ... عرض ارادت سید فخرالدین

محمود ... با سلامت و آزاده مجرد در ... به ...

مشغول ...

سید ... الدین ...

علی تقی ... ارادت ...

... و سلام سید فخرالدین ... ده ...

المؤید حق الاسما

جناب عمدة الامراء العظام نور چشم عزیز میرزا حسین آقا فخاری دام اقباله

ان شاء الله مزاج سعادت [illegible] ندارم احوال آنجناب استفسار فرماید

که الحمد لله سلامت است باری میرزا احمد کوهستانی در قریه [illegible]

نگرانی دارد از قرار معلوم جناب [illegible] نسبت به ایشان بی لطفی نموده اند

چون میرزا احمد آدم نجیب و با [illegible] خوش رفتار و پر حوصله و [illegible] است

با [illegible] او را دلجوئی [illegible] قناعت دهید [illegible] خاطر [illegible]

بعمل آورید باعث خرسندی [illegible] آنجناب خواهد بود زیاده [illegible]

ان شاءالله سلامت هستید باری به طور مجبوری

مرا به انگلستان ببرند شماها نگران

نباشند و به مشق و خواندن مشغول شوند

تا که خدمت برسم ملازم زهرا

الحمد لله

جناب آقای سید محمد حسن پورداود سلام

حبیبه نام آدم کارگر ماهر که در موقع بهار قاصد کارخانه بود

داد را بطور شرحی صادق میفرستیم — یکدفعه که کارگر ماهر

یک گرد آتشه جای برای منیره خریده و صوفی قاسم هم

یک گرد آتشه خریده بود — شاید فقط یک گرد آتشه برای منیره

آورده بود ولی کار را تمام کرد تا چند دفعه هم شهر آمد و در صحبت

کردم هر جور بود تمام گرد آتشه را القصه پس کرده یعنی پس کرد

صوفی قاسم تمام گرد آتشه جای من هم آمد و تشکر نمود از آن هم

به سید محمد هم آمد درخواست —

فدایت شوم   مراسلهٔ مصحوبهٔ محمد بیگ واصل و از سلامت حالات خوشوقت شدم

اینکه مرقوم فرموده‌اید اگر اهم و تکثیر وجوهی شده‌اند خانهٔ مرحوم میرزا علینقی سرکار [illegible]

مسلّم است غصب است از او و خرج نشین است   و کسی را مجبور بسکوت در محل

نمی‌توان نمود اینجانب علاقجات سرکار را و خیمه در حکم واحد و هیچ تفاوت نمیدانم

حالا چون مشارالیها مطالبی با اینجانب معروض و مکرراً با [illegible] این مهم هم [illegible]

لهذا میرزا قنبر را از طرف مخصوص اعزام داشتم که با اتفاق محمد بیگ

طلب اینجانب را از آنها وصول و محاسبات آنها را [illegible] نمایند

و مزاحم نشوند خانهٔ مرحوم را هم هر چه زودتر [illegible] رحمت نگذارند

۱۶ ربیع الاول
۱۳۲۶

روحی فداک

در ضمن استعلام از مجاری استقامت مزاج شریف تصدیع میدارم که راجع به بیع

پولی است که خانه را باید گرو بدهند و از اینکه هیچ وقت تقاضا و تجدید

نمایید ملک اینجانب و اولاد جنابعالی نه تنها و همینطور خواهش میکنم از حال

[illegible] از زمره نوکران آنجا را خارج نفرموده و قرض بنا [illegible]

جنابعالی از هیچ بابت پیچیده‌گی با اولاد و خرجهای ایشان بر ندارند

زیرا ایشان در هر جا بوده‌اند از همه جهت معاف و بهانه‌گیری هیچ جهت نبوده‌اند

خصوصاً اینکه باره کند آمده در خدمت جنابعالی سمت نوکری

داشته و اینکه کاغذ با مهر در دست دارد که [illegible] نوکر و از خرج و مالیات

معاف است بهر طریق اینست خود او را اعاده داده

انشاءالله بطور لازم ترضیه خاطر ایشان را بی خواهند آورد که موجب امتنان

خواهد گردید زیاده مطلب نوشته [illegible]

۱۳۰۲

۱۲ خرداد

آقای علی‌خان مالک اربه‌ورس

مبلغ بیست تومان و هزار و ده شاهی بابت حقوق دیوانی

بیست و سه تومان و ده شاهی بابت قیمت بیست و هفت نفر بعد

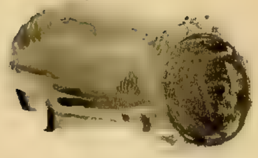
سه روزه ارباب داری هنوز بابت قیمت بیست نفر بعد

که مبلغ باعزام بهران لطفاً نشو بهشت نقلی ملکان

مأمورین عهده‌دار اداره آقای علی‌خان سرتیپ

از قرار یکه سرتیپ شکایت نموده شما باید به عدالت باور فتار بکنید علیهذا اعلام

اگر بعد از این مشارالیه از شما شکایت نماید مورد مواخذه و تنبیه خواهید شد



طلب سیادت رحیم خلف مرحوم کریم ساکن چوکانو
در ذمه ورثه احمد خلف مرحوم سلیمان ساکن قریه مزبوره ۵ تومان
صحیح

ان ۵ برابر بعد از انقضای مدت ۳ ماه مرحوم مقدار مزبور را
تحویل نماید خود را دریافت نماید تحریراً فی ۱۴ شهر رمضان ۱۳۴۹

فدایت شوم   ان شاء الله مزاج شریف مقرون به کمال صحت است

باری در مسئله مأمور عریضه مکتوب عرض شده ام بعلت گرفتاری و باره

کار و بار قدرت شرفیابی و آمدن با خدمت ندارم استدعا است مقرر فرمایند

در شرف کند یا زنبیل یا آنکه دهات دیگری پیر یکرنگ خان برای امضا

حاضر شده طرفین شرعاً گفتگوی مخوره را تمام نمایم هر وقت جواب آمد فوراً

به بنده اطلاع دهید و خواهان هم با مأمور سازش نماید تا جواب

بیاید بعد از آمدن جواب آنچه صلاح است رفتار خواهم نمود

زیاده ایام بکام باد

محمد قلی

وهب کبری

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible]

[illegible]

٢ رجب [illegible]	٢ رجب [illegible]	٢ ج [illegible]	٢٨ ج ١٢٥٥ [illegible]
٢٤ رجب [illegible]	٣٠ رجب [illegible]	١٢ رجب [illegible]	١٠ رجب [illegible]
[illegible]	٨ شوال [illegible]	شوال [illegible]	٣ شوال [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	٢٤ شوال [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	١١ [illegible]
٢٤ شوال [illegible]	١٤ شوال [illegible]	١٩ [illegible]	[illegible]
	ذ [illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] ١٢٥٥ [illegible] ١٢١٥

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وارده‌سی

1255

[illegible]

[illegible]

دورهٔ تبریز

[illegible]

یک صورت رسید حساب ... [illegible]

وارده ...

[illegible]

صفحه اول

صورت ثبت حساب [illegible] تبریز [illegible] ۱۳۱۶

واردهٔ تبریز

[illegible]

صورت [illegible] تاریخ ۲۲ [illegible] ۱۴۵۵ [illegible] ۱۳۱۵

وارده [illegible]

[illegible]

۷۷۳۲۱۱/۵۰

مبلغ [illegible]

۱۳۱۵ [illegible] مرداد ماه [illegible] ۱۴۵۱ [illegible]

[illegible]

مبلغ [illegible]

۵۷

۱۸/۴/۲۰

تجارتخانه محترم آقای میرزا رحیم [illegible] شفیعی تاجر [illegible] دام [illegible]

[illegible] بعرض [illegible] ۲۶/۳/۱۸ [illegible]

[illegible] ۱۰۶۷/۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۱۷ [illegible]

[illegible] ۱۴۰۱ [illegible] ۱۴۱۶ [illegible] ۱۴۲۲ [illegible]

[illegible] ۱۳۱۸ [illegible]

[illegible]

۱۸/۵/۱۸

تجارتخانه محترم [illegible] ۱۳۱۸

صورت خلاصه حساب

وارده [illegible]	وارده تبریز		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۸/۵/۱۸ [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

۸۵ / ۶۳۰۴۴ ریال

[illegible] ۱۸ مرداد [illegible] ۱۳۵۸ [illegible] ۱۳۵۸

۲۱۷۴۴/۸۵

[illegible]

صورت کلیه حساب [illegible] تا تاریخ ۲ تیرماه ۱۳۱۹

بدهی [illegible]		دارد تبریز		
۳۰ [illegible] ۱۳۱۹ [illegible]	۲۵ شهریور ۱۳۱۸ [illegible]	۲۷ [illegible]	۳۰ [illegible]	[illegible] ۱۳۱۸ [illegible]
	[illegible]	۵ شهریور [illegible]	۲ شهریور [illegible]	۳۰ [illegible]
		اول [illegible]	[illegible]	۸ [illegible]
		۳ [illegible]	اول [illegible]	۱۷ [illegible]
		۲۹ [illegible]	[illegible]	[illegible]
		۱۲ آذرماه [illegible]	۹ [illegible]	۱۰ آذرماه [illegible]
		[illegible]	۴ [illegible]	اول [illegible] ۱۳۱۹ [illegible]

[illegible] ۱۳۱۸ [illegible] ۱۳۱۹ [illegible]

[illegible] تا تاریخ ۲ تیرماه ۱۳۱۹

[illegible]

[illegible]

صورت کلیه حساب جناب [illegible]

دولت‌آباد

۱۳ محرم ۱۳۵۷ [illegible]	۲۵ محرم [illegible]	۲۳ صفر [illegible]	۱۴۰۳۰ [illegible]
۲۵ ع ۱ [illegible]	ع ۲ [illegible]	۲۴۲۱ [illegible]	۲۳ ج ۲ [illegible]
[illegible]	۱۷ رجب [illegible]	۲۹ شوال [illegible]	۱۰ شوال [illegible]
[illegible]	۱۷ شوال [illegible]	[illegible]	[illegible]

۱۴۳۹۴۱/۴۵ ریال

وجه علی‌الحساب فوق از [illegible] در صفحه ۲ [illegible] ۳۴۰۹۱/۵۰ ریال [illegible]

وجه [illegible] رجوع خواهد شد

صورت ... حساب جانب ... تبریز ... تاریخندن ۱۹ ... ۱۲۵۷ ... ۱۳۱۷

وارده تبریز			وارده ...	
[illegible]	۱۹ ...	۲۵ ...	۲۹ ...	۴ ...
[illegible]	۲۸ ...	۲۹ ...	۱۷ ...	۲۴ ...
۲ ...	۵ ...	۶ ...	۱۹ ...	۲۲ ...
۹ ...	۱۱ ...	۱۷ ...	[illegible]	۳۷
۲۰ ...	۲۲ ...	۲۳ ...		
[illegible]	[illegible]	۵ ...		
۱۱ ...	۱۲ ...	۱۴ ...		
[illegible]	۱۶ ...	۱۹ ...		
۱۹ ...	۲۴ ...	۲۶ ...		
... محرم	۵ محرم	۱۴ محرم		

۱۳۱۷

[illegible] ۱۲۵۸ ... ۱۷ ...

[illegible]

۱۹/۱/۱۴۱

نمره ۱۳

پیشگاه محترم جناب [illegible] وزیر [illegible]

پیرو [illegible] به جواب [illegible] مورخه ۱۳/۱/۱ [illegible] عرض است [illegible]

[illegible]

مهاباد
۱۲/۱/۱۶

۴

[illegible] بانک [illegible] تبریز [illegible]

[illegible] صادره

۹/۱/۱۶ [illegible] هزار [illegible] بانک [illegible] تبریز [illegible]

[illegible]

۱۱/۱/۱۶ [illegible] بانک [illegible] جهت [illegible]

۹/۱/۱۶ [illegible] تبریز [illegible] بانک [illegible]

[illegible] بانک [illegible] برات [illegible] ۱۱۹ / ۸۰۰۰ [illegible] ۱۲۰ / ۱۰۰۰۰ [illegible] ۱۲۲ / ۱۳۰۰۰ [illegible]

[illegible] بانک [illegible]

[illegible] بانک [illegible]

[illegible] بانک [illegible]

[illegible] بانک [illegible]

[illegible] تبریز [illegible]

[illegible] بانک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بانک [illegible]

[illegible] بانک [illegible]

[illegible] بانک [illegible]

مهاباد
15/3/19

تبریز ... ۳۴۱ [illegible]

تلگراف [illegible]
۱۳/۱۲/۱۵ تبریز [illegible] بانک [illegible] ۱۳۵/ ۵۰۰۰ ریال [illegible] ۵۸۱۸ [illegible] ۱۰/۱۲/۱۵ [illegible]

۱۳/۱۲/۱۵ [illegible] بانک [illegible] ۷۸ [illegible] ریال اعتبار [illegible] ۵۸۷۹ [illegible] ۱۰/۱۷/۱۲/۱۵ [illegible]

[illegible]
۱۹/۱۲/۱۵ [illegible] مهاباد [illegible] ۵۰۰۰ ریال [illegible] بانک [illegible]
۵۸۵۳۸/

[illegible] ۳۴۳ [illegible] ۷/۹/۱۲/۱۳ [illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۵/۱۲/۱۷ [illegible]

[illegible]

۱۵/۱۱/۱۹

۲۱۳

[illegible]

[illegible]

۱۸/۱۱/۱۵ [illegible]

[illegible] ۲۱۳ [illegible] ۸/۱۲/۱۵ [illegible]

[illegible] ۱۰۳ [illegible] ۱۰۴ [illegible] ۹۷ [illegible]

[illegible] ۷۵۶۴ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۷۵۱ [illegible]

[illegible] ۱۳۷۲۲ [illegible]

[illegible] ۱۳۵۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صادره
۱۵/۱۱/۱۵

نمره ۳۱۳

[illegible] تبریز [illegible]

[illegible]

۱۴/۱۱/۱۵ [illegible] تبریز [illegible] ۱۰۴ [illegible]

[illegible] ۳۱۱ [illegible]

[illegible] ۹۰/۲۳۳۰۴ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۹۷ [illegible] ۵ [illegible]

[illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible] ۱۰۴ [illegible] ۲۰۵۰ [illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۴۰۷۵ ریال [illegible] ۵ [illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible] ۱۳۷۲۲ ریال [illegible]

[illegible]

۱۷/۷۰ [illegible]

[illegible] ۱۰/۴۵ ریال [illegible]

[illegible]

مهاباد
۱۷/۷/۲۸

۱۶۴

تجارتخانه محترم آقای میرزا رحمت‌الله شفتی تاجر مهاباد

مرقومه [illegible] در موضوع وجه [illegible] شریف [illegible] مخصوص [illegible] ظاهر [illegible] بازار [illegible] پست

[illegible] عریضه [illegible] تجربه [illegible] است [illegible] محبت [illegible] اگرچه اصرار بنده [illegible]

[illegible] بازار [illegible] مطلع [illegible] طرف [illegible] وجه [illegible] به [illegible]

[illegible] مطالبات [illegible] تجارت [illegible]

[illegible] تصادف [illegible] بازار [illegible] طرف [illegible]

[illegible] تجارتخانه [illegible] مطالبه [illegible] قرضیات [illegible]

[illegible] شرح [illegible]

[illegible] نتیجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مهاباد
۱۷/۹/۳۱

(۱۹۸) تجارتخانه محترم [illegible] مهابادی

ضمیمه [illegible]

صورت [illegible] — ۳ ورقه

صورت [illegible] — ۱ ورقه

پاسخ مرقومه مورخه ۱۵/۹/۳۱ [illegible] ۱۱۴۷ [illegible] مبلغ ۵/۸۳۰/۱۷ ریال [illegible]

[illegible]

[illegible] ۹۰۱/۴۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ماهانه [illegible]
۳/۴/۱۷

۷۹ تجارتنامهٔ محترم جناب عمدة التجار آقای [illegible] رحمت شاهی

پست [illegible] خطی [illegible] رسیده [illegible] جواب [illegible] یک [illegible] پست [illegible] نسخه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قیمت [illegible] ریال [illegible]

[illegible]

۱۶۴۳ ۱۳

۵۶

[illegible] جناب [illegible] شاهی [illegible]

[illegible]

[illegible] پانصد [illegible] ۱۴۷ [illegible] ....

[illegible] پانصد و شصت [illegible] ....

[illegible]

[illegible] ....

[illegible] ۵۲ [illegible] ۱۴۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۵۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
۱۶/۲/۱۰

۵۲

[illegible]

[illegible] از تهران

۸/۲/۱ [illegible] ۵۰۰ ریال [illegible] بابت [illegible] . . . .

[illegible] یازده هزار و پانصد ریال [illegible] بابت [illegible]

[illegible] ۴۷ [illegible]

[illegible] ۱۴۱ [illegible]

[illegible]

۱۶/۳/[illegible]

۲۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

۷۰۰۰

۱۴۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۵/۲/۳

۴۴

[illegible]

[illegible] ۱۷۶۴ [illegible]

۱/۳/۱ [illegible] ۲۸۰ [illegible]

[illegible] ۱۷۶۷ [illegible]

[illegible] ۱۸۵۶ [illegible]

[illegible] ۴۴ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۴ [illegible] ۱۳۱ [illegible]

[illegible]

۴۰ [illegible] ۲۷/۳/۱۰

[illegible]

۲۷/۳/۱۰ [illegible] ۱۱۱۴ [illegible] ۱۱/۳/۱۰ [illegible] ۵۰۰۰ ریال [illegible]

[illegible] ۱۵۸۱ [illegible] ۱۰/۳/۱۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۸/۳/۱۰ [illegible]

[illegible] ۵۰۰ ریال [illegible]

[illegible]

[illegible] ۵۰۰۰ ریال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱٤/۵/۱۸

نمره ۱۱۹

تجارتخانه محترم [illegible]

[illegible]

[illegible]

پیرو عریضه [illegible] جواب مرقومه مورخه ۹/۱۲/۱۴ [illegible]

[illegible]

مهاباد
۲۴/۳/۱۰

نمره ۶۵ — تجارتخانه محترم جناب [illegible]

[illegible] ۲۲/۳/۱۰ [illegible] ۱۳۴۰ [illegible] ۲۴۷۵ [illegible]

[illegible] ۱۹/۳/۱۰ [illegible] صندوق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹/۳/۱۰ [illegible] ۱۰/۵ ریال [illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۳/۱۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۵/۱۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

مهاباد
۱۶/۳/۱۷

۸۷

تجارتخانه محترم [illegible]

۱۵/۲/۱۷ [illegible] ۱۷۸/ [illegible] ۸۰۰ ریال [illegible] ۲۲۵۵ [illegible] ۱۴/۳/۱۷ [illegible]

[illegible] ۲۵۰ تومان حواله [illegible] . . . .

[illegible] ۲۰ / ۴۰ / ۵ [illegible] . . . .

[illegible] . . .

[illegible]

[illegible] ۹۵ [illegible]

[illegible] ۱۴۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۴۲/۱۰ ریال [illegible]

[illegible]

[illegible] ۴/۱۹ [illegible]

جمادی
۱۰/۵/۱۷

[illegible]

پریروز [illegible] ۱۴۸ [illegible] ۲۳ [illegible] ۱۵۱ [illegible]

۲۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مهاباد
۳۰/۴/۱۷

۱۰۴

تیمسار محترم جناب [illegible] سپهبد [illegible]

بعد از عرض سلام پس از مرخصی از خدمت دیروز [illegible] رسیده و با اتفاق [illegible] که [illegible] الله [illegible] رسیده‌ام

بنده‌زاده با [illegible] از زیارت حضرت‌عالی و از الطاف بی‌پایان [illegible] است [illegible] به [illegible] صمیمی [illegible]

[illegible] [illegible] در خصوص [illegible] [illegible]

[illegible] است [illegible] صحیح است [illegible] [illegible] ۲۰ [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

جواباً
۱۸/۸/۲۴

(۱۶۴)

تبریز جناب محترم آقای میرزا رحمت شفیعی تاجر صادراتی

تلگراف صادره
۱۸/۸/۲۳ آقای شفیعی صادرات تبریک میمانه عروسی تقدیم رفع کسالت تلگرافیه میرزایی

تلگراف وارده
۱۸/۸/۲۴ میرزایی از مراحم سرکار نهایت تشکر الحمدلله ملک رفع کسالت شده رحمت

بعد از ابلاغ سلام و تقدیم ارادت مزاج شریف خیر انتظار به هر حال ورق لطفنامه از کسالت آن جناب محترم مبارک
تلگرافی شرح ورق کرده بودم اگر در جواب رحمت فرموده که آن رفع کسالت کرده امیدوارم که انشاءالله
کرده و هر روز سلامتی و خرسندی آن جناب محترم را با عزم تعیین در درگاه حضرت احدیت خواستارم از قبیل
برضمیر عزیز محترم آقای میرزا عبدالرحمن شفیعی سلام مخصوص دارم دیگر هفته گذشته ابراهیم که [illegible]
به حضور تأمل رابطه و وجه نیز دارد و کسالت عالی را شنیده بود بی اندازه در تشویش و دلخوری
میمود تلگراف خصوصی را نشان دادم لکن تسلیت خاطر کرده اینک عریضه ارادت حضور [illegible]
دلخوری نمود و حرکات تقدیم است در عالم محبت جواب به عزیز محترم آقای [illegible]
زحمت کرده به ایشان که هم [illegible] و تقدیم است و دلخوری کرده هم تا تشریف دارم اسم
نداشته خواستم سر تیغ در تخت حکم رحم و نیازمند از ده [illegible] دیگر خواهم کرد.

[illegible]
۳۱/۵/۱۴

۱۲۴ [illegible] ۵۰۰۰ [illegible]

[illegible] شماره ۱۱۹ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۹

تجارتخانه محترم [illegible] رحمت [illegible] رفیعی

[illegible] تبریز [illegible] ۷۳ [illegible] ۴۷۳۸ [illegible] ۳۵/۵/۱ [illegible]

[illegible] ۴۷۹۸ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۰۰۷۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فقط [illegible]

۲۲/۷/۱۴

۱۹۱

تجارتخانه محترم جناب آقای [illegible]

لفاً ارسال است
پروانه [illegible] ۳۰ [illegible] ۹۸۰ [illegible]
۱۴/۷/۱۹

راجع به [illegible] نامه مورخه ۱۹/۷ آن تجارتخانه [illegible] جواب [illegible]

لفاً پروانه [illegible] ۹۸۰ [illegible] ارسال است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۶/۶/۴۰

(۱۵۱) [illegible]

[illegible]

جواب
19/2/5

حضور محترم جناب عمده‌التجار آقای میرزا عبدالرحیم رشتی تاجر تهرانی

بعد از عرض سلام و استعلام از سلامت مزاج مبارک [illegible] وارد و از آن [illegible] محترم خطی رسید [illegible] از [illegible]

خبر [illegible] جناب آقای میرزا [illegible] عازم [illegible] شریف [illegible]

[illegible]

[illegible] تجارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آقای میرزا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۰۰۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلام [illegible] جناب آقای [illegible]

[illegible] آقای میرزا عبدالله [illegible]

[illegible]

۳۹

مهاباد
۱۹/۴/۱۳

تبارکنامه محترم آقای میرزا رحمت شافعی تاجر مهابادی

بعد از ابلاغ سلام و تقدیم ارادت مراسله شریف مورخه ۱۹/۳/۲۸ زیارت مطالب درک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آقای میرزا رحمت شافعی [illegible]

[illegible] زیاده عرضی ندارم [illegible]

۱۸/۵/۳۵

(۱۲۳)

تهران جناب [illegible] محترم آقای [illegible] تاجر [illegible]

پس از عرض مراتب ارادت صمیمانه خطی [illegible] صادر شده که [illegible] جواب عرض شود [illegible]

[illegible] ۱۱۷ [illegible] ۲۱۷۴۴/۸۵ [illegible]

نظر به [illegible]

[illegible]

[illegible] عرض دیگر [illegible]

[illegible] خصوص [illegible]

[illegible] خصوص [illegible]

[illegible] لطفاً

[illegible]

[illegible]

[illegible] لطف [illegible] جناب [illegible]

[illegible] ارادت [illegible]

۱۳۴

۱۹/۶/۱۸

تجارتخانه محترم جناب آقای میرزا رحمت الله شفیعی تاجر مهابادی

طی راپورت شماره ۱۴۰ ممالک [illegible] واصل در بازار [illegible] عالی خطی رسید مطابق آن [illegible]

[illegible] شده [illegible]

[illegible] آقای میرزا [illegible] لطف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۴۵۸ [illegible]

[illegible] ریال ۴۵۰

[illegible] جناب آقای میرزا [illegible]

[illegible]

[illegible]

مهاباد
۱۹/۹/۱۲

۱۸۴

[illegible] محترم آقای [illegible] ریاست [illegible] تاجر مهابادی

با استعلام از سلامت مزاج شریف [illegible] تشریف [illegible] می‌کرد [illegible]

دستور [illegible] مزاج [illegible] حرکت به [illegible] [illegible] برده [illegible]

برحسب [illegible] مهاباد [illegible] دارم [illegible] منتظر [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دارم [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ۲۰۰۰ [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

۲۱۶

مهاباد
۱۸/۱۰/۲۷

نگارنامه محترم آقای [illegible] مهاباد

بمناسبت حلول عید سعید اضحی و از نظر [illegible] تبریکات صمیمانه خود را [illegible] عرض [illegible] تبریکات [illegible] داریم

چه نیست [illegible] نامه محترم [illegible] [illegible] شده [illegible] نیست [illegible]

[illegible] عرض تبریک عید شریف اضحی [illegible] تقدیم [illegible] ....

در ضمن [illegible] تاریخ ۱۲ [illegible] قطعه [illegible] [illegible]

[illegible] به ۵۰ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

مهاباد

۱۸/۱۱/۱۵

تیمسار محترم جناب آقای [illegible] شافعی

[illegible]

[illegible]

[illegible]
۱۸/۱۲/۱۳

(۳۴۷)

تصدقت گردم آقای میرزا رحمت [illegible] تاجر [illegible]

مرقومه مبارکه مورخه ۲۰/۱۱/۱۸ زیارت از سلامتی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] جناب [illegible] حسین زاده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۲۵ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ۱۵ [illegible] [illegible] [illegible] ۵ [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

مهاباد
۱۸/۱۲/۲۰

نگارنامه محترم جناب آقای میرزا رحمت شفیعی [illegible]

با تقدیم ارادت قلبی و [illegible] که خطی از ناحیه [illegible] مطابق [illegible] شود

[illegible] صحیح [illegible] چون شب عید است [illegible] وجه ضیق داریم خواستم تشکر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] — [illegible]

[illegible] — [illegible]

[illegible]

جناب آقای میرزا عبدالرحمن [illegible] سلام [illegible]

۱۶۵
۱۸/۱۲/۳۴

تصدق حضور محترم آقای سید [illegible] شریفی تبریزی

با تقدیم ارادت سلامت مزاج شریف را از درگاه [illegible] مسئلت دارم [illegible] حضرت آقای [illegible]
[illegible] نیز [illegible] بی پول [illegible] [illegible] است [illegible]
در جهه گرفتار [illegible] [illegible] بعد از احتیاج [illegible] گرفته [illegible]
[illegible] کرده است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

مهاباد
۱۹/۱/۱۵

نمبر ۸

جناب محترم آقای سید رحمت شافعی تاجر مهابادی

با ابلاغ سلام و تقدیم ارادت [illegible] تشریف [illegible] راجع به [illegible] عشیره [illegible]

[illegible] محترم [illegible] ۲۴/۱۲/۱۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (الکریم اذا وعد وفی) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مهاباد
۲۱/۴/۱۰

۹۲

تجارتخانه محترم جناب عمدة التجار آقای میرزا رحمت شافعی تاجر ساوجبلاغی

۱۹/۴/۱۰ توسط سرکار [illegible] هزار و ششصد ریال [illegible] ۱۵۹ رحمت شافعی

در تعقیب [illegible] نمره ۱۴ مورخه ۱۴/۴/۱۰ و جواب مرقومات نمره ۱۲ مورخه ۱۴/۴/۱۰ [illegible] هزار و ششصد ریال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] محترم آقای سید احمد [illegible]

پاسخ نامه نمره ۳۳۴ مورخ ۱۸/۴ [illegible] رسیده بود در بابت [illegible] مهر زرتاش [illegible]

[illegible] مرقوم داشته بودید که [illegible] بابت [illegible] منتظر [illegible] بقیه [illegible]

[illegible] در این موضوع [illegible] که [illegible] بابت [illegible]

[illegible] نسبت به شخص [illegible]

[illegible] قضیه را [illegible] اعلام فرمایید [illegible]

[illegible] مرحمت [illegible]

[illegible] بقیه [illegible]

[illegible] دستور قطع [illegible] رجوع [illegible]

[illegible] قضیه [illegible]

[illegible] احترام فرمایید که [illegible]

[illegible] عبدالرحمن [illegible]

[illegible]

۱۱۲

۸۱۵
۱۸/۵/۸

حضور محترم آقای [illegible]

برادر [illegible] مرقومه مورخه ۲۸/۴/۱۸ [illegible] مطالب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۸/۶/۴

۱۲۸

[illegible] جمعیت [illegible]

۱۸/۶/۱۸ [illegible] ۴۰۰ ریال [illegible] عبدالله [illegible] جمعیت

طی [illegible] شماره ۱۲۶ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۴۷

۱۸/۶/۲۶

[illegible]

۲۵/۶/۱۸ [illegible] حواله شد

[illegible]

پانزده هزار ریال

۱۵۰۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] پانزده هزار ریال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مهاباد
۱۹/۷/۱۸

۱۴۲

تجارتخانه آقای حاج رحمت شافعی تاجر مهابادی

پاسخ نامه مورخه ۱۴/۷/۱۸ آن تجارتخانه [illegible]

۵۰۰۰ ریال

شصت تومان که بموجب برات [illegible] توسط [illegible] ۱۲۵۸ [illegible] تجارتخانه رسید

در خط مورخه ۱۰/۳/۱۸ [illegible] در ذیل آن صورت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مهاباد
۱۸/۷/۲۴

۱۲۵

تبریز [illegible] محترم [illegible]

در تعقیب ۱۹/۷/۱۸ [illegible] عرض [illegible] مصدع اوقات شریف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۶۹

آباده
۱۸/۹/۱

تجارتخانه محترم آقایان برادران رحمت ... تاجر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۳۲۱۰۰ ریال [illegible]

[illegible]

... احترامات فائقه را تقدیم ... [illegible]

جواب
۱۸/۶/۱

۱۷۵

تهران [illegible] محترم آقای [illegible] شافعی تاجر [illegible] بازاری

طی مراسله شماره ۱۲۲ جواب مراسله مورخه ۲۷/۵/۱۸ [illegible]

[illegible] است که [illegible] [illegible]

ده هزار ریال [illegible] است که لطف [illegible] [illegible]

اقدام [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] صحیح است که [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] ۱۳۵۷ [illegible]

[illegible] [illegible]

جواب [illegible] منتظر [illegible]

کلام آقای علیخان حیدری

نوذمی طاقتم لدیدار عزیزان و وطن	دائما جوتم دکلی غم همدم حزن و محن
حب تو دین منی آیین منی ایمان منه	یاد و فکر آب و خاکت شغل و دردم فرد وطن
گلبن و گلزارکه تو تو که جی قمری و ازار	آشیان جنده ایستا بو که جی زنغ و رعن
شار و بازارت دلینی پر پاک و یران خراب	ملکوا آثارت همه پامال رفاملی ز سکن
کوچه و شارت که پر آهوی ختن بو خطا	جمه محزرب و خراب پر لسکاب و پله سن
دلبرات تو به بخچر چو قصاز د سبیی	نوجوانانت همه کرزیر انو میزرانی ره کفن
جی مدکا نو امامو مدرسه دنشر علدم	پاک جی دسته قتو نو پاک جی غوغا قشن
ممبر و منبر کوت بور وحجر کا نو جوشکه	بو بمی فانه دطوبه معبد معبد و رسن
جفه داره قبه قبت ره صف باغ صفا	سیره داره سیره پرچم کو کله قاضی حسن
عشره داوله امر و کرب بدله شاره	کشتو بالا نو نخیره کوار منو و دمن
رنج مسلم به حاله رحمتی یا مصطفی	ظلم کافر بی عقصی یا دو لمن

این جواب را ... که هر ده نظم داشته و مطابق این کافرها را امتیاز داده انتخاب خواهد نمود

نماید نمایند نمائی نمائید

ما داعیان و ریش‌سفیدان قرار حولکانو و کانه علیه گکا و کانه قلعه روز چهارشنبه پنجم شهر صفر بجهة
فاتحه‌خوانی عیال کدخدا صدیق ساکن کانه قلعه حاضر بودیم که کهف نام ساکن صوملی تپه بابت مدیونی
خودش با جماعت مذاکره داشتند تا گفتگوشان به رنجش رسید کهف قهر کرده خورج حضور آقای [illegible] زده
را انداخته و فوراً به جماعت گفته که فدای فدای شدم من میروم عارض میشوم تو اگر میتوانی مال مرا بخور
بعد از آنکه کهف رفت ما به عنوان ریش‌سفیدگری خورج را دست نزده خانه جناب مستطاب ملا صالح
مدرس کانه قلعه گذاشته و آدم به عقب کهف فرستادیم رفته بود که عارض شود ... ما تا امروز هم
تحریر که ۱۲ شهر صفر است آقای محمد قاسم خان نظامی آمده از ما تحقیق نمودند ما هم خورج را
دست نزده به کهف تسلیم نمودیم ما هم اطلاع حضور را بطوریکه مطلع بودیم نوشتیم فی ۱۲ شهر صفر ۱۳۴۹

اگر آن ایام در مجلس فاتحه‌خوانی شد باید قبل از فاتحه بگویند — أَعْظَمَ اللهُ أَجْرَنا وَأَحْسَنَ
عَزانا وَغَفَرَ لِمَيِّتِنا بِحُرْمَةِ الْفاتِحَة بعد از آن تمامی حاضران مجلس شروع بخواندن
فاتحه نمایند و وقتیکه از خواندن آن تمام شدند همان کس اولی به ترتیب فاتحه را گفته
باز دستها را بلند نموده بگوید اللَّهُمَّ إِنْ كانَ مُحْسِناً فَزِدْهُ في إِحْسانِهِ وَإِنْ
كانَ مُسِيئاً فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجاوَزْ عَنْهُ آمين والحمد لله رب العالمين

قانون عینیت شعور و ماده (۱)

Identity between Thinking & Being

قانون وحدت [illegible] . عینیت [illegible] یعنی [illegible] وجود [illegible] و [illegible] شعور و ماده [illegible] یک [illegible] نه [illegible] ، [illegible] دوالیسم و [illegible] . نقض [illegible] [illegible] . فی لغت [illegible] که [illegible] [illegible] .

لنین : «نه تنها [illegible] از ماده [illegible] بلکه [illegible]»

مائو : « عمل ، شناخت ، دوباره عمل ، [illegible] »

انگلس : آیا [illegible] [illegible] ما درباره دنیای [illegible] زبان فلسفی عینیت فکر و ماده میخوانند

[illegible]

سؤالات : [سؤالات [illegible] از [illegible] [illegible]]

۱ - [illegible] شعور و ماده [illegible] ؟ ([illegible] ماده یعنی [illegible]) آیا [illegible]

A . شعور اصلی است یا ماده ؟ چرا ؟

B . آیا شعور [illegible] ماده را [illegible] . آیا [illegible] دنیای خارج از ذهن ما میسر است ؟

C - آیا [illegible] ماده [illegible] ؟

D - قانون عینیت چیست ؟ [illegible]

E - قانون عینیت شعور و ماده چیست ؟

a - قانون وحدت [illegible] شعور و ماده [illegible] ؟

b - آیا شعور و ماده [illegible] ؟ [illegible]

c - [illegible] شعور و ماده [illegible] ؟ ([illegible])

۲ - [illegible] ماده [illegible] شعور [illegible] ؟

[illegible] ؟ [illegible] ؟ ملاک [illegible] ؟

۳ - [illegible] ؟ [illegible]

۴ - ملاک حقیقت ، ملاک درستی و نادرستی شناخت چیست ؟

۶ - [illegible] [illegible]]

قانون عنیف شور ... (۲)

[illegible]

[illegible] ... ([illegible]) [illegible]

[illegible] { [illegible] ، توانش ماتریالیسم [illegible] / تحلیل ماتریالیستی [illegible]

[illegible]

ملاک ... بودن

در نظام ... ایران : ... / انقلابی ... بودن

در نظام سرمایه‌داری :

[illegible]
مبارزه ... طبقه ... انقلابی
... طبقهٔ کارگر
... ([illegible])

ماتریالیسم ... توجیه یا ... ؟
(... ماتریالیسم ...)

* ... انقلابی است اما ... ۱۵ خرداد ...
... ماتریالیسم ... اما ...

* ... طبقات حاکمه اما ...
(... از ایدئولوژی جدا شدن) ...

* گرفتن ... قدرت سیاسی از طبقهٔ حاکمه و ... ایدئولوژی
مثلاً ... ایتالیا و حزب توده ... ایدئولوژی ... (...)
[illegible])

* ۴۲ ۳۹ نظر غالب ... ۱۵ خرداد ... با ... شرایط ذهنی و عینی ... نظرات ...
[illegible]

... ایده‌های ... انقلابی است (مبارزه ...) . ... ۱۵ خرداد در نتیجهٔ ...
و آثار ... .

نظر ... ارتباط ... از ایدئولوژی است (انقلابی بودن ...
— ... بلکه ... ماتریالیستی ...)

ماتریالیسم ... ، ... ، ...

ماتریالیسم ... ماتریالیسم ...
... است ...
[illegible]

[illegible] ... اگر پدیده های شعور وجود ادعا [illegible] پدیده ها [illegible]
وابسته و متقابلا مشروطند
پس شرایط زمانی و مکانی را باید در نظر گرفت

۱ـ همبستگی و پیوستگی [illegible] ... [illegible] تحولی [illegible]

پدیده های دنیا منفک نیستند ـ در ارتباط با هم هستند

[illegible]

۲ـ اکتشافات بزرگ قرن ۱۹

۱ـ [illegible]
زندگی [illegible] ... سلول [illegible] [illegible]

۲ـ [illegible]
صدا و حرارت و نور تبدیل بهم میشوند

۳ـ [illegible]

این سه اکتشاف همبستگی پدیده های طبیعت را در مرحله ... در داخل هر پدیده
و بین انواع امور ثابت کرد

میان گیاه ... [illegible] ... [illegible] هر یک از این [illegible]
میان [illegible] ([illegible]) [illegible]

۳ـ [illegible]

رنج ← عدم رنج ← رنج

۴ـ نتیجه
نقش ۳ اکتشاف در پیدایش دیالکتیک ـ رابطه دیالکتیک با علوم
علم با وجود [illegible] علم [illegible] مجموع [illegible]
کار فلسفه است که مسائل علوم و توجیه کلی عالم را در نظر دارد

لنین : دیالکتیک بمعنی واقعی کلمه عبارت است از
آموزش تضادها در داخل ماهیت اشیاء

تضاد پدیده
کمی - کیفی

آگر هستی در حال حرکت [illegible]

قوانین دیالکتیک

قاعده اول : تغییر دیالکتیکی

I. حرکت دیالکتیکی چیست

هیچ چیز بی‌وجود و هیچ چیز بصورت موجود باقی نخواهد ماند (پروسه و اولوسیونیسم)

هر چیز در حال گذر است : حالت برزخ

II - هیچ چیز ثابت ، مطلق ، مقدس نیست

(هیچ قیودی که بر دنیا و جامعه آن وجود دارد [illegible])

مطلق : تابع شرایط نبودن ، ابدی ، کل و کامل بودن

مقدس : قابل دستکاری و عیب ، تغییر پذیر نبودن و فقط مورد احترام بودن

ثابت : ماده بصورت حرکت وجود دارد (هر چیزی گذشته و آینده دارد آنچه هست پایدار نیست)

تحولات تدریجی (ناشی از هم) و تحولات غیر طبیعی (انقلاب)

III - پروسه

دینامیسم خود بخود

A - دنیا از اشیاء درست شده بلکه از پروسه‌ها

انگلس : دنیا مجموعه‌ای از اشیاء ساخته شده نیست بلکه مجموعه‌ای از پروسه‌ها است
که در آن اشیائی که ظاهراً ثابت هستند در حالت تغییر بدون انقطاع
هستند ، بوجود می‌آیند و از بین میروند (لودویک فویرباخ)

B - مکانیت‌ها : تغییر بجز از طریق علل خارجی بوجود نمی‌آید : ماده بدون حرکت است
اگر چیزی فشار وارد نیاید حرکت نمی‌کند : خدا : منشاء حرکت

اما : این تئوری ماده و حرکت را از هم جدا می‌کند : ماده بی‌حرکت است تنها توده
ساکن است که باید از خارج به آن فشار وارد کرد که حرکت کند
حرکت در خود ماده است ، حرکتش ، ماده آغازی نداشته است

خدا آغاز کجا بوده است ؟
آغاز ماده کی بود ؟
" حرکت کی است ؟

آیا در مطالعه دلایل تغییر باید از عوامل خارجی شروع کرد ؟
آیا تاریخ را مردان بزرگ می‌سازند ؟ (نیروهای درونی اجتماعی)
آیا سوسیالیسم ساخته خیال و افکار سوسیالیست‌ها است ؟ یا [illegible] ؟

C - فرمهای حرکت

مکانیت‌ها : حرکت مکانیکی (تغییر مکان اجسام در نتیجه عمل نیروهای خارجی [illegible])
فرم نهائی و عمده حرکت کلیه انواع ماده است و هر تغییر و هر حادثه‌ای را
میتوان به حرکت مکانیکی کاهش داد و آنرا توجیه کرد

مارکسیسم : حرکات را طبقه بندی می کند

اولاً حرکت بصورت تغییر وجود دارد که تمام پروسه های جهان را در بر می گیرد
از جابجا شدن مکانیکی و ساده تا پروسه های فوق العاده پیچیده مانند فکر انسان
ثانیاً حرکات را طبقه بندی می کند.

۱- حرکت مکانیکی : جابجا شدن اجسام (بزرگ) در فضا (از ۱۹۵۰) اجرام قابل رویت
~~اما این حرکت در همه موجودات از اجرام کوچک تا [illegible]~~ وجود دارد
زمان
— این حرکت محدود به اجسام بزرگ قابل رویت نیست، ~~[illegible]~~
در هر ماده ای و در هر نوع دیگری از حرکت وجود دارد، اما
در آنها حالت تابع و ثانوی دارد

۲- حرکت فیزیکی intra-atomic & intra-nuclear motion

انگلس حرکت فیزیکی را به پروسه های ملوکولی تفسیر کرد
اما ~~[illegible]~~ پروسه های ملوکولی شامل پروسه های
حرارتی ، الکتریکی ، مغناطیسی و intra atomic و intra-nuclear
هست

۳- حرکت شیمیائی ترکیب و تجزیه اتمها ، که در نتیجه ملکول ها ترکیب یا تجزیه میشوند که
ترکیبات شیمیائی از آنها بوجود می آیند

۴- حرکت بیولوژیک یکی از پیچیده ترین نوعهای حرکت ماده است
~~[illegible]~~ - اجرام پروتئینی که

۵- حرکت اجتماعی بالاترین نوع حرکت ماده در ماهیت و کیفیت ، همه نوعهای دیگر را دارا
خصوصیت ویژه آن: تولید مادی

نوعهای حرکت ساده بهم مربوط و جدا ناپذیرند

قوانین دیالکتیک

۱ـ بهم پیوستگی [illegible]

۲ـ حرکت دائمی [illegible] ([illegible]) [illegible]

۳ـ [illegible]

— { آوانتوریسم [illegible]

۴ـ تضاد [illegible]

[illegible]

جبهه عمده نیروها نیست که در آن لحظه [illegible]

— آب در حال جوش و جلوی آب سرد (آب سرد [illegible] اما حرارت ادامه دارد)

[illegible]

قانون سوم (قانون تضاد [illegible] وحدت ضدین)

[illegible]

[illegible] ؟

[illegible]

[illegible]

۱- [illegible] تضاد [illegible]
پس مبارزه [illegible] اجتناب ناپذیر است.
پس نتیجه تضادها [illegible] بلکه باید کشف کرد و آشکار نمود
پس نباید در صدد خاموش کردن مبارزه طبقاتی برآمد بلکه باید آن را به آخر رساند

۱- تز (اثبات) [illegible]
۲- آنتی تز (نفی) - ضد [illegible]
۳- سنتز (نفی در نفی) [illegible]

[illegible]
Mao : One divides into Two
قانون تبدیل یگانه به دوگانه

۱- هر پدیده‌ای در درون خویش [illegible] تضاد درونی را دارا [illegible] است
۲- در هر پدیده‌ای تضادها بیشمارند - وظیفه انقلابیون شناخت تضاد اصلی است - شناخت نیروهای دافع یک پدیده.

۱- دو سر تضاد را تشخیص دهیم (وحدت اضداد در هر پدیده)
۲- [illegible]
۳- عمده‌ترین نیروئی که میتوانند در جهت از بین بردن آن سر تضاد هستند تشخیص دهیم (یکطرف [illegible])

[illegible]

اما این مبارزه شامل سه بخش است
[illegible]
[illegible] بورژوازی امپریالیستی
[illegible] علیه امپریالیسم
[illegible]

قانون ۳ وحدت ضدین

تغییر — ناشی از کاهش و افزایش و تکرار یا ناشی از وحدت ضدین و تغییر جهشی [illegible]

* وحدت ضدین

* بلافصل [illegible] ضدین — پرولتاریا (فروش نیروی کار به سرمایه‌دار) و بورژوازی (نمیتواند باشد بدون استثمار کارگر) — نمیتواند زنده باشد بدون [illegible]

تضاد آنتاگونیستی آنست که مبارزهٔ ضدین بشکل برخورد بیرونی [illegible] بروز یابد و در آن

۱- طرف غالب میخواهد [illegible] طرف مغلوب و [illegible] خود تضاد را حفظ کند

۲- طرف مغلوب نابودی طرف غالب و نابودی خود تضاد (سرمایه‌داری) را میخواهد

تضاد غیرآنتاگونیستی [illegible]

نسبی وحدت و مطلق بودن ضدیت

تذکر [illegible]

پس انتقال [illegible]

[illegible]

۲ - همهٔ ذکر گونه‌ها کیفی است (اشتغالی [illegible])

[illegible]

خودکار	[illegible]
۱	[illegible]
۱	
۲	
۳	
۴	

[illegible]

[illegible]

2-84
7.15
Thursd

[illegible] ۲۰-۳۲ [illegible]

[illegible]

عقب‌نشینی برنامه بلوک‌ها:

کمبود [illegible]

[illegible]

[illegible]

امروز امپریالیسم وحدت ندارد - جناح‌بندی [illegible]

[illegible] ۱۹۴۳ [illegible] امپریالیسم

[illegible]

I- جایگاه ماتریالیسم تاریخی

فلسفهٔ مارکسیستی:
- ماتریالیسم دیالکتیک [جهان‌بینی حزب مارکسیست-لنینیستی S]
- ماتریالیسم تاریخی [استفاده از اصول ماتریالیسم تاریخی برای توجیه جامعه و تاریخ آن S]
[مطالعهٔ قوانین عام تکامل اجتماعی و فرم تحقق این قوانین در عمل تاریخی انسان]

(۱) [illegible] فیلسوفان ماتریالیست قبل از مارکسیسم [illegible]
داشتند و بیشتر از این جهت نتیجه‌گیری که در طبیعت نیروهای کور و لاشعور عمل می‌کنند
[illegible] منکر عمل می‌کنند [illegible]
فکر و شعور است و به این ترتیب رابطهٔ بین ماده و شعور را اشتباه [illegible]

۲) مارکس با استفاده از ماتریالیسم دیالکتیک برای توضیح جامعه ماتریالیسم را [illegible]
[illegible] برای توضیح [illegible] جهان [illegible]
[illegible] برای تغییر جهان [illegible] برای [illegible]
[illegible] انسان [illegible]

ماتریالیسم تاریخی نه تنها [illegible] دربارهٔ تغییر تاریخ [illegible] — ماهیت تاریخ

[illegible] ماتریالیسم [illegible] طبیعت [illegible]
ماتریالیسم تاریخی [illegible] تشخیص می‌دهد.
انسان، طبیعت [illegible] با هم رابطهٔ متقابل دارند.
[illegible] طبیعت را به کار [illegible] می‌کند. کار شرط وجود انسان است.

۱- برای زنده ماندن انسان باید خوراک، لباس و مسکن داشته باشد.
۲- برای داشتن این امکانات مادی انسان باید آنها را تولید کند — [illegible]
۳- برای تولید این امکانات مادی انسان باید ابزار تولیدی داشته باشد [illegible]
۴- [illegible] این ابزار را [illegible]

کار [illegible] تبدیل میمون به انسان [illegible]

— [illegible] طبیعت [illegible]
— کار [illegible] طبیعت [illegible]
انسان روابط [illegible]
— با تغییر طبیعت انسان هم خودش را تغییر می‌دهد [illegible]

بنا براین [illegible] تعیین می‌کند.

فصل دوم [illegible]
[illegible] را در هر مورد [illegible]

[illegible]
انتقاد و [illegible]
[illegible] و اقدام

فصل سوم [illegible]

خطای اول ــ [illegible] (ذکر [illegible])
[افکار تنها [illegible] بلکه انعکاس [illegible]]

حرکت ما [illegible] تکراری است ــ از [illegible]

خطای دوم ــ [illegible] (تفسیر [illegible]) [illegible] حرکت [illegible]

" سوم ــ فلسفه [illegible] ــ عمل
تا [illegible] تنها دنیا را تفسیر کرده حال آنکه باید تغییر [illegible]
[[illegible]]

" چهارم ــ انسان محصول محیط است
مارکس : محیط ساخته انسان است پس انسان محصول انسان است [illegible]

[illegible]

۱- [illegible] درس [illegible]

[illegible]

۲- [illegible]

[illegible] پدیده ها را میتوان شناخت نه عمق آنها را
شیئی برای ما وجود دارد نه شیئی مستقل از ما (مثال [illegible])

۳- چرا فلسفهٔ سومی وجود ندارد ؟

[illegible]

پیدا شده اند
تکمیل شده اند
دوباره ترکیب شده اند

شناخت عقلی، [illegible] پیچیده بودن واقعیت [illegible]
شناخت حسی باید به عقلی تبدیل شود.

[illegible] بورژوازی قرن ۱۹ بود که در مقابل [illegible]
اما در مقابل طبقهٔ جدید پرولتاریا ارتجاعی بود

[illegible]

[illegible]

ایدهالیسم [illegible] ایران اولین کوششها برای [illegible] as a whole

در جامعه [illegible] و [illegible] باز [illegible]

مبارزه بین ماتریالیسم و ایدهآلیسم > طرفداران افلاطون / دموکریتوس هراکلیت

ماتریالیسم دیالکتیک | ماهیت مادی دنیا، حرکت در طبیعت، تضاد

اسلوب متافیزیک

خاصیت اول — اصل همانندی (اینهمانی) [دیدن موجودات در حالت سکون و اینهمانی]

تکامل { تغییر — استفاده بورژوازی

سوسیالیسم [illegible]

ارزش اضافی [illegible]

زندگی [illegible]

صندلی صندلی است پس چیزی که صندلی نیست [illegible]

↓



خاصیت دوم؟ — جدائی — یعنی اینکه [تجزیه [illegible]]

علم علم است و فلسفه فلسفه — علم و فلسفه هیچ ارتباطی ندارند

فلسفه و سیاست ربطی ندارند — دانشجو را با سیاست چکار؟

ادبیات و سیاست [illegible]

دولت و اقتصاد هم : جدائی؟

همانندی + جدائی ← ابدی بودن

خاصیت سوم — ابدی بودن [تقسیم موجودات بعضیها ابدی و جداگانه]

فقیر و غنی همیشه هست

جامعه سرمایه داری دارای {کارگر / سرمایه دار} است : [این تقسیم ابدی [illegible]]

۱ فقیر و غنی همیشه هست [illegible]

۲ [illegible] همیشه [illegible]

خاصیت چهارم — نفی تضاد [قرار دادن اضداد در مقابل هم : دو چیز [illegible] در یک حال وجود داشته باشند]

مرگ در مقابل زندگی : زندگی زندگی است مرگ مرگ است : در مقابل هم قرار دادن اضداد = اضداد با هم [illegible] وجود داشته باشند

جامعه یا دمکراسی است یا دیکتاتوری / دیکتاتوری پرولتاریا دمکراسی توده ها است.

[جدا کردن - در مقابل هم نهادن]

اسلوب متافیزیکی طبیعت

طریق اول — دنیا ساکن است حرکت ناشی از اشتباه حواس است. الیائی؟

طریق دوم — حرکت هست اما مکانیکی. حرکت تغییر مکان است نه خود تغییر. حرکت تکراری است [illegible]

[illegible]

اسلوب متافیزیکی فکر

احساسات و عقاید انسان تغییر ناپذیر است

الف - استدلال متافیزیکی [illegible]   [طبیعت مجموعه‌ای از موجودات ثابت [illegible]]

دو طریق شناخت {
- طریق اول: دنیا ساکن است. حرکت حاصل اشتباه حواس است، اگر [illegible] طبیعت بی حرکت است — الئاتی‌ها Eleatics
- طریق دوم: حرکت [illegible] است [illegible] (بسیاری از جمله [illegible])

این طرز تفکر متافیزیکی نیست اما در واقع هست

۱- [مکانیسم: متشکل است از اجزاء ثابت، معین، دائمی که به هم [illegible] و خواص ثابت و معینی دارند]
مبنای تغییر: اشیاء ثابت [illegible] است که خواص ثابت و معینی را دارند

اما: دنیا از اشیاء درست شده [illegible] شیء در حال تغییر یعنی [illegible] تشکیل شده
دنیا و جامعه در حال تغییر بی پایان و تبدیل هستند.

۲- تغییر بدون عامل خارجی ممکن نیست
حرکت درونی وجود ندارد

A- اجزاء [illegible] بودن حرکت اجزاء دیگر به حرکت درمی‌آیند
B- این تئوری ماده و حرکت را از هم جدا می‌کند: ماده [illegible] که حرکت باید از خارج بر آن تحمیل شود

[اما] حرکت کرهٔ [illegible] (تحلیل)

۳- بهترین فرم حرکت: حرکت مکانیکی است یعنی تغییر جای اجزاء [حرکت [illegible] تکامل [illegible] وجود ندارد]
همهٔ انواع حرکت به حرکت مکانیکی محدود می‌شود
[ریشهٔ قوانین فیزیک و فیزیولوژی‌ها در قالب مکانیک]

حرکت کرهٔ زمین [illegible]
سرد شدن و سایر تغییرات را [illegible]

۴- کل = مجموع اجزاء : روابط بین اشیاء فقط روابط خارجی است

نتایج: - حرکت تکراری است
حرکت تکاملی و ترقیانه نیست
ماتریالیست کارش شاهد و ثبت است، توصیف است نه تغییر دنیا

[illegible] [اما [illegible]]

[illegible] (اصل [illegible])

متافیزیک [illegible]

[illegible]

٧٣

① [illegible] : [illegible]
[illegible]

١ — [illegible]
٢ — [illegible] الفلسفة

١ — [illegible]
٢ — [illegible]
[illegible]
[illegible]
— [illegible]
— [illegible]

[illegible]

③ — [illegible]

[illegible]
[illegible]

④ — [illegible] الأشكال [illegible] :
— [illegible] : [illegible]
— [illegible] : [illegible]

[illegible] ۱۸

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] الحزب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

ایتالیا قرن ۱۷ و ۱۸ [illegible] [illegible]

[illegible]

۱۶۶۸-۱۷۵۷ [illegible]

۱۷۰۱-۱۷۷۶ [illegible]

۱۲

[illegible]

۱۵۳۲-۱۶۰۷

۱- [illegible]

۲-

[illegible] قرن ۱۸ [illegible]

[illegible]

دوشنبه	۳-۵ ، ۸-۱۰
چهارشنبه	۳-۵ ، ۸-۱۰
شنبه	۷-۹ ، ۸-۱۰ ، ۱۱-۱۲
سه‌شنبه	۹-۱۱ ، ۸
پنجشنبه	۹-۱۱ ، ۸
جمعه	[illegible]

[illegible]

Mechanistic Materialism

دنیا پر از تغییر است — شب به دنبال روز، بهار به دنبال زمستان ...
همه تغییر را می‌بینند اما سوال: چگونه تغییر را توجیه می‌کنیم؟

ایده‌آلیسم: منشاء تغییر ایده یا ثبات انسانی یا الهی است. منشاء تغییر خارج از ماده است
ماتریالیسم: منشاء تغییر در خود ماده و در دنیای مادی است

(در حاشیه: [illegible] ثبات و تابع قوانین دنیای مادی نیست)

با وجود مشاهدهٔ تغییر فیلسوفان دنبال چیزی بوده‌اند که تغییر نکند — چیزی ثابت در آن‌سوی تغییر یا ورای تغییر
این یکی اساس ایدئولوژی طبقهٔ استثمارکننده است
آنها از تغییر می‌ترسند زیرا می‌ترسند که خودشان هم با تغییر وضع موجود از بین بروند — همه

ماتریالیسم اولیه نیز منشاء تغییر را در حرکت و حتی مقابل اتمهای ثابت لاتغیر می‌دیدند (۲۰۰۰ سال پیش در یونان)
در عصر فئودالی ترقی بود — علیه ایده‌آلیسم در آن زمان (تغییر بودن [illegible]) اپیکور
پس دنیا از اجزاء ثابت و مادی درست شده و تغییر ناشی از حرکات و روابط این اجزاء است

(در حاشیه: آنها بر اساس [illegible] ثابت بودند اما برخلاف ایده‌آلیست‌ها که اجزا را در ایده جستجو می‌کردند آنها در ماده جستجو می‌کردند)

ماتریالیسم قرن ۱۶ و ۱۷ در مبارزه‌ی خود علیه فلسفه فئودالی که تکیه‌اش بر این [illegible] بود [illegible]
اما عقب‌تر از آن بود؛ همه پدیده‌ها، از مولد تا انسان، از حرکت و عکس‌العمل اجزاء متشکل ماده
ناشی می‌شوند. بدین ترتیب در قرن ۱۸ ماتریالیسم مکانیکی داشتیم

ماتریالیسم مکانیکی: فلسفه بورژوازی — در واقع راه را برای [illegible] مبارزه‌ی بورژوازی [illegible]
هم فلسفهٔ بورژوازی در حال رشد بود — علیه ایدئولوژی فئودالی
علیه [illegible] فئودالی بود.

برده‌داری: ارسطو: برده‌داری دستور طبیعت است زیرا بعضی انسانها طبیعتاً برده هستند
فئودالیسم: توماس اکویناس — [illegible] سیستم فئودالی است: هر چیزی در دنیا [illegible] به این داشت که چه چیزی
فئودالی تنظیم شده بود — در رأس خدا بود. هر چیزی [illegible]
بالاسر آن باشد و هیچ چیزی بدون خدا ممکن نبوده — روابط تابع و مستبد
سرمایه‌داری: دنیا از اجزاء (اتمها) جدا از هم تشکیل شده و بر طبق قوانین مکانیک با هم
عمل و عکس‌العمل دارند. هر جزئی جدا از جزء دیگر موجود است. این اجزاء
با هم یک کل را تشکیل می‌دهند

fit together

مکانیسم
۱- مکانیسم متشکل است از اجزاء ثابت که با هم جفت می‌شوند (عقربه، فنر، ...)
۲- احتیاج به نیروئی دارد که آن را به حرکت درآورد (کوک) — خارجی
۳- اگر به حرکت آمد اجزاء با هم عمل می‌کنند و حرکات آنها قانونمندی دارد که [illegible]

۱) مکانیسم: نفی تغییر. اشیاء ثابت و دائمی است که خواص ثابت و معین دارد

اما: دنیا از شیئ درست نشده بلکه از پروسه‌ها. اشیاء در حال تغییر یعنی پروسه ها

دنیا و جامعه در حال تغییر بی‌پایان و تبدیل هستند

۲) تغییر بدون عمل عامل خارجی ممکن نیست

اجزاء ماشین بدون حرکت اجزاء دیگر بحرکت در نمی‌آیند - حرکت درونی وجود ندارد

این تئوری ماده و حرکت را از هم جدا می‌کند؛ ماده یک توده بی‌جان است که حرکت باید از خارج بر آن تحمیل شود

اما حرکت نحوهٔ زندگی ماده است (انگلس).

۳) تغییر مکانیکی - تغییر جای اجزاء - ساده‌ترین فرم حرکت است

همه انواع حرکت را به حرکت مکانیکی محدود می‌کنند

۴) کل = مجموع اجزاء - روابط بین اشیاء فقط روابط خارجی است

شرایط فقدان مبارزه سیاسی در ۲۰ سال دیکتاتوری رضاخان. پس از سقوطش جنبش عظیم توده و احتیاج به سازمان رهبری.
اعلام فوری (در ۱۳۲۰) حزب توده، بشارت دهنده "وحدت کارگران دهقانان پیشه‌وران و روشنفکران" درست بود زیرا در
غیاب ضرورت رهبری به دست بورژوازی ملی سازشکار. فقدان شرایط ذهنی برای تشکیل بلافاصله حزب کمونیست تشکیل
حزب توده را الزامی میکرد اما تشکیل این حزب توده برای دامن زدن؟ در رهبری مبارزات مردم چه کار میبرد. ۲ انحراف
وجود داشت ۱. بعنوان یک سازمان توده ای رهبری حزب نتوانست نقش انقلابی آنها را ... و ۲. وظیفه دموکراتیک بر
وظیفه کمونیستی ترجیح داده شد (اپورتونیسم) و حزب کمونیست، سازمان مستقل [رویزیونیسم] طبقه کارگر ساخته نشد.
ح.ت بجای سرنگونی طبقات حاکم (که بورژوا، فئودال تغییر نکرده بود) به این اکتفا کرد که دیکتاتوری را
بنگرد و مبارزه را به آن محدود کرد. حزب توده در عمل مبارزات عظیمی دامن زد و دوره ۲۰ - ۳۲ درخشانترین
دوره مبارزات عملی در ایران است (حتی بورژوازی ملی وابسته به حزب بود [illegible] و حتی [illegible] بعنوان کمونیست بود(؟)).
که بعد به مبارزات حزب توده انحرافات [illegible] دفاع کرد.

مبارزه در دو بخش ادامه دارد

۱- دموکراتیک (یعنی برای سازمان انقلابی [illegible] کمونیستی)

۲- کارگری یا کمونیستی

در دو بخش مسائل مطرح است.

مبارزه بین طبقه [illegible] است نه بین گروه‌های [illegible]

[illegible] یا [illegible] سیاسی که [illegible] حرکت [illegible] است [illegible] و

[illegible] که جنبش ..... [illegible] خط رهبری [illegible]

[illegible] است

[illegible] یا جریان سیاسی بورژوازی لیبرال نیست

[illegible] و [illegible] آشتی‌ناپذیر هستند از نقطه نظر [illegible] هستند و در کل جریان

[illegible] طلبی و در [illegible]

در مقابل این جنبش انقلابی [illegible] دارای [illegible] مشترک [illegible] اما از نقطه

از نقطه نظر [illegible] تاریخی و [illegible] دارای [illegible] تا [illegible]

[illegible] و مواضع [illegible] انقلاب [illegible]

[illegible] طبقه [illegible] انقلاب [illegible]

[illegible] که [illegible] کارگر [illegible]

[illegible] طبقه کارگر [illegible] خود [illegible] از [illegible]

[illegible] طبقه کارگر [illegible]

[illegible] طبقه کارگر [illegible] از این [illegible]

[illegible]

از نظر [illegible] سیاسی [illegible] که

[illegible] سیاسی [illegible] که [illegible] خود را به یک طبقه [illegible]

[illegible]

— [illegible]

— "